



Tabari's Exegetical Approach, with a Focus on Hafs' Recitation from Asim*

Hamed Sharifinasab^۱ and Rouhollah Bahadori Jahromi^۲

Abstract



The selection of the seven canonical recitations by Ibn Mujahid (d. ۳۲۴ AH), followed by the subsequent selections of ten and fourteen recitations by later scholars, significantly distinguished these recitations from others. This distinction led some Sunni scholars to regard the seven, and others the ten recitations, as mutawatir (massively transmitted). As these classifications gained prominence after Ibn Mujahid, it becomes essential to analyze the earlier written works to evaluate the legitimacy of these recitations, as they remain unaffected by the categorizations introduced by Ibn Mujahid and his successors. A notable example of such an early work is the extensive commentary Jami' al-Bayan by Mohammad bin Jarir al-Tabari (d. ۳۱۰ AH), which is free from the biases of later classifications. This research aims to elucidate Tabari's perspective on various recitations by employing a library-based methodology to explore how he addressed the different recitations of the Quran in his Jami' al-Bayan, particularly focusing on his treatment of the narration of Hafs from Asim. The results suggest that Tabari did not endorse the tawatur (massively transmission) of the ten canonical recitations. In fact, he often deemed the recitations of certain ten reciters as impermissible in various verses. Additionally, an analysis of Tabari's stance on the Hafs narration indicates that he did not recognize it as mutawatir or as a reliable narration; he did not even equate it with lesser-known or anomalous recitations and intentionally avoided acknowledging or transmitting it.

Keywords: Tabari, Jami' al-Bayan, Quranic Recitations (Qira'at), Hafs, Asim.

*. **Date of receiving:** ۲۷/۰۹/۲۰۲۳, **Date of approval:** ۱۲/۰۶/۲۰۲۴.

۱. PhD Graduate in Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran, Iran (Corresponding Author): h.sharifinasab@rihu.ac.ir.

۲. Rouhollah Bahadori Jahromi, Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Qom University of Medical Sciences, Iran: m.bahadorirohollah@yahoo.com



رویکرد تفسیر طبری به قرائات به ویژه روایت حفص از قرائت عاصم *

حامد شریفی نسب^۱ و روح الله بهادری جهرمی^۲



چکیده

گزینش قرائت قاریان هفت گانه توسط ابن مجاهد (۳۲۴ق) و سپس گزینش قاریان ده گانه و چهارده گانه توسط عالمان دوره های بعد، این قرائت ها را بر دیگر قرائات برتری داد، به حدی که برخی از اهل تسنن قرائت های هفت گانه و برخی دیگر، قرائت های ده گانه را متواتر پنداشتند. از آنجا که این دسته بندی ها برای قرائت ها و قاریان پس از ابن مجاهد رواج یافت، توجه به آثار مکتوب پیش از ابن مجاهد در اعتبارسنجی قرائت قاریان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا از دسته بندی های ابن مجاهد و دیگران متأثر نیست. یکی از آثار غنی که تحت تأثیر دسته بندی های قرائی قرار نگرفته، تفسیر جامع البیان از محمد بن جریر طبری (۳۱۰ق) است. پژوهش حاضر با هدف کشف جایگاه قرائت ها نزد طبری و با روش مطالعه کتابخانه ای به بررسی عملکرد طبری در مواجهه با قرائت های مختلف قاریان در تفسیر جامع البیان می پردازد و در این راستا به رویکرد وی نسبت به روایت حفص از قرائت عاصم توجه ویژه می کند. نتایج به دست آمده نشان می دهد که طبری به تواتر قرائت های ده گانه باور نداشته است، بلکه در بسیاری از آیات، قرائت برخی از قاریان ده گانه را جایز ندانسته است. همچنین ملاحظه رویکرد طبری به روایت حفص نشان می دهد که وی نه تنها روایت حفص را روایتی متواتر یا روایتی صحیح نمی دانست، که حتی آن را در حد قرائت ها و نقل های شاذ و غیر مشهور نیز نپذیرفته بود و از توجه و نقل آن به کلی امتناع می ورزید.

واژگان کلیدی: طبری، جامع البیان، قرائات، حفص، عاصم.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳.

۱. فارغ التحصیل دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول): h.sharifinasab@rihu.ac.ir.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی قم، ایران: bahadorirohollah@yahoo.com.



مقدمه

گسترش و پراکندگی دامنه قرائات تا سده سوم هجری، برخی از پیشوایان قرائت را به گزینش قرائت‌ها واداشت تا قرائت‌های برتر را متمایز کنند. ابتدا ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ق) قرائت ۲۵ قاری را برگزید (ابن جزری، بی تا، ۳۴/۱) و پس از او نیز آثار متعددی در گزینش قاریان نگاشته شد تا آنکه ابن مجاهد (۳۲۴ق) از پیشوایان قرائت در بغداد با تألیف کتابی، قرائت هفت قاری را به نام‌های نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، عاصم، حمزه و کسائی برگزید و قرائت هر یک از آنان را از طریق دو راوی، گزارش کرد. اقدام او که با پشتوانه حاکمیت بغداد همراه بود، دو اصطلاح قاریان هفت‌گانه و چهارده روایت را پدید آورد.

با این حال، عالمان قرائت همچنان در گزینش قرائت با افزودن یا کاستن قاریان منتخب ابن مجاهد، آثاری تألیف می‌کردند، تا آنکه احمد بن حسین بن مهران (۳۸۱ق) با تألیف چند کتاب از جمله «الغایة فی القراءات العشر» سه قاری دیگر به نام‌های ابو جعفر مدنی، یعقوب حضرمی و خلف بن هشام را به قاریان هفت‌گانه اضافه کرد و اصطلاح قاریان ده‌گانه با بیست روایت را به جای گذاشت.

در نهایت در برخی آثار دیگر از جمله «ایضاح الرموز و مفتاح الكنوز فی القراءات الأربع عشرة» تألیف ابن قباقی (۸۴۹ق)، چهار قاری دیگر به نام ابن محیصن، یحیی بن مبارک یزیدی، حسن بصری و سلیمان بن مهران اعمش افزوده شدند که اصطلاح قاریان چهارده‌گانه و روایات بیست و هشت‌گانه به آنها اشاره دارد.

با توجه به اینکه مرزبندی قرائت‌ها به هفت، ده و چهارده قرائت و رواج و پذیرش آنها به تدریج از سده چهارم هجری و پس از اقدام ابن مجاهد آغاز شد، اعتبارسنجی این قرائت‌ها در آثار مکتوب پیش از ابن مجاهد مانند تفسیر معانی القرآن فراء (۲۰۷ق) و تفسیر جامع البیان طبری (۳۱۰ق) اهمیت فراوان دارد؛ زیرا از اقدام ابن مجاهد و دیگران و مرزبندی‌های آنان در قرائت متأثر نیست.

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش مطالعه کتابخانه‌ای و جستجوی قرائت‌ها و بررسی عملکرد طبری در مواجهه با قاریان در تفسیر جامع البیان به ارزیابی رویکرد طبری به قرائات می‌پردازد و در این راستا به رویکرد وی به روایت حفص از قرائت عاصم توجه ویژه می‌کند.

پیشینه مقاله حاضر از دو منظر قابل پیگیری است: پیشینه کلی مطالعات مربوط به قرائت قرآن و پیشینه تحقیقات مربوط به تفسیر طبری. مباحث مربوط به قرائت همواره از ابعاد مختلف مورد توجه عالمان اسلامی قرار داده (ر: ک؛ محمدی، ۱۴۰۱) و آثار تألیف شده در این رابطه، خارج از شمارش است. نمونه‌ای از این آثار عبارت است از: کتابهایی با عنوان «الحجة» (در بررسی دلائل ادبی هر قرائت؛ که



این نوع کتاب‌ها غالباً در قرن چهارم و پنجم هجری نگاشته شده‌اند مانند «الحجة» از ابن خالویه، «الحجة» از ابوعلی فارسی، «حجة القرائات» از ابوذرعه، «الكشف» از مکی بن ابی طالب، کتابهایی در گزینش قاریان (در انتخاب تعدادی از قاریان و نقل قرائت آنان؛ این دسته از کتاب‌ها نیز غالباً در قرن سوم تا پنجم تالیف می‌گشت مانند آثار قاسم بن سلام، ابن مجاهد، احمد بن حسین بن مهران و ابو معشر طبری)، کتابهایی با عنوان الطبقات (در معرفی قاری، طبقه، اساتید و شاگردانش؛ مانند «غایة النهایة» از ابن جزری و «معرفة القراء الکبار» از ذهبی)، کتاب‌ها و تحقیقات مربوط به تاریخ قرائات (در بیان تاریخ پیدایش و تطور قرائت)، پژوهش‌های مربوط به نقد و ارزیابی تواتر قرائات، تحقیقات مربوط به ارزیابی سندی برخی قرائات و دیگر مطالعات قرائی.

در خصوص مطالعات مربوط به تفسیر طبری، نیز آثار زیادی تدوین شده است که بسیاری از آنها به صورت کلی ناظر به بُعد تفسیری تفسیر طبری است، مانند کتاب «ابن جریر الطبری و منهجه فی التفسیر» اثر محمد بکر اسماعیل، مقاله «روش تفسیری طبری» تألیف علیرضا میرزا محمد، مقاله «مبانی تفسیر نگاری طبری» تألیف سیمین دخت شاکری، کتاب «منهج الطبری فی الترجیح بین الأقوال التفسیریة» تألیف علی بن حسین حربی، مقاله «تفسیر طبری در نقد و بررسی» تألیف محمد فاضلی، کتاب «الإسرائيلیات فی تفسیر ابن جریر الطبری» تألیف نایف بن سعید زهرانی، مقاله «اسباب نزول در تفسیر طبری» نوشته محمد حسین موسوی، مقاله «نکته‌های بلاغی در تفسیر طبری» تألیف سید محمد علوی مقدم، مقاله «رابطه زمینه‌های اصلی و معیارهای اجتهاد طبری در بررسی و ترجیح آراء تفسیری» اثر مهیار خانی مقدم و محمدتقی دیاری بیدگلی، مقاله «نقش تاریخ در تفسیر طبری» اثر مهدی تدین. برخی آثار نیز به تبیین رویکرد کلی طبری نسبت به قرائات و معیارهای وی در گزینش یا ترجیح قرائات پرداخته‌اند، مانند کتاب «منهج الامام الطبری فی القرائات» اثر زید بن علی مهدی مهارش، مقاله «وجوه و معیارهای ترجیح قرائات در تفسیر طبری» اثر محمد فاروق آشکار تیزابی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «پژوهشی در قرائتهای تفسیر طبری» اثر محمد جواد حیطاوی. برخی آثار نیز به مسئله قرائت در تفسیر طبری از بُعدی خاص توجه کرده‌اند، مانند مقاله «تأثیر سیاق در ترجیح قرائات در تفسیر طبری» تألیف محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا قاسم نژاد و مقاله «طبری و اختلاف قرائات در آیات الاحکام عبادی» تألیف روح الله نجفی.

وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار پیشین، تمایز در موضوع است؛ زیرا در هیچ یک از آثار یاد شده، به این موضوع و مسئله پرداخته نشده است که طبری چه عملکردی در مواجهه با قرائت قاریان مشهور به ویژه قرائت عاصم به روایت حفص داشته است؟ آیا طبری قرائت همه قاریان ده‌گانه را متواتر می‌دانست یا آنکه در برخی از آیات، قرائت برخی از قاریان را مُجاز ندانسته است؟



الف. معرفی ابن جریر طبری و تفسیر جامع البیان

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی در سال ۲۲۴ ق (ذهبی، بی تا، ۲۰۵/۱؛ سیوطی، بی تا، ۸۳) یا سال ۲۲۵ ق (حموی، ۱۴۱۴: ۲۴۴۱/۶) در آمل به دنیا آمد (ذهبی، بی تا، ۲۰۵/۱) و در سال ۳۱۰ ق از دنیا رفت (حموی، ۱۴۱۴: ۲۴۴۱/۶). وی از ۱۲ سالگی سفر برای کسب علم را آغاز کرد و از اساتید مصر، شام و عراق بهره برد و نهایتاً در بغداد اقامت گزید (ذهبی، بی تا، ۲۰۶/۱). سیوطی او را «راس المفسرین علی الاطلاق» معرفی کرده و او را در جامع علوم بودن، بی نظیر دانسته است (سیوطی، بی تا، ۸۲).

اگرچه طبری در علوم مختلف صاحب نظر و دارای تألیفات بود، اما شهرت امروزی وی مدیون دو اثر «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» و «تاریخ الأمم والملوک» است. با اینکه دو کتاب یادشده در مراحل نخست تفسیرنگاری و تاریخ نگاری نگاشته شده، از چنان جامعیتی برخوردارند که همچنان مرجع تفسیر و تاریخ به شمار می آیند و به همین دلیل طبری، پدر علم تفسیر و تاریخ معرفی شده است (ذهبی، بی تا، ۲۰۶/۱).

خطیب بغدادی درباره طبری می گوید: طبری جامع علمی بود که هیچ کس در عصرش در آن علوم با وی شریک نبود؛ او حافظ کتاب خدا و آگاه به قرائت ها و بصیر به معانی بود؛ درباره احکام قرآن فقیه بود، عالم به سنت و طریق های صحیح و غیر صحیح و سنت های ناسخ و منسوخ بود. به سخنان صحابه و تابعین و طبقات بعد درباره احکام و مسائل حلال و حرام آگاه بود. طبری دارای کتاب مشهوری در تاریخ امت ها و پادشاهان و کتابی در تفسیر است که هیچ کس مانند آن ننوشته است (خطیب بغدادی، بی تا، ۵۴۸/۲).

نام کتاب تفسیر طبری، آنگونه که خود وی در کتاب تاریخ (طبری، ۱۳۸۷، ۸۹/۱) و در همین کتاب تفسیرش بیان کرده (طبری، ۱۴۱۲: ۵۰/۱)، «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» است؛ چنانکه برخی همین عنوان را نام کتاب تفسیری طبری معرفی کرده اند (حموی، ۱۴۱۴: ۲۴۴۴/۶) و البته برخی نیز نام این تفسیر را به صورت «جامع البیان فی تفسیر القرآن» ذکر کرده اند (ذهبی، بی تا، ۲۰۴/۱).

سیوطی این تفسیر را گرانقدرترین تفسیر معرفی می کند که به نظر قاطبه علما مثل آن تألیف نشده است؛ زیرا بین روایت و درایت جمع کرده و کسی قبل و بعد از طبری نتوانسته چنین کند (سیوطی، بی تا، ۸۲-۸۳). سیوطی در جای دیگر با تأکید بر بی بدیل بودن تفسیر «جامع البیان»، سخن نووی را مبنی بر تصنیف نشدن تفسیری مانند تفسیر طبری نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۷۶/۲).



طبری در تفسیرش پیش از آغاز به تفسیر آیات، مباحثی کلی را به عنوان مباحث مقدماتی شرح داده است و سپس با تعبیر «القول فی تأویل قوله تعالی...» تفسیر ترتیبی آیات را آغاز می‌کند. طبری در بیان مباحث مختلف ذیل هر آیه، نظم یکسانی در ترتیب مباحث به کار نبرده است، اما ذیل هر آیه، به تبیین سبب نزول، قرائت‌های مختلف تأثیرگذار در معنای آیه، بحث‌های لغوی و ادبی، روایت‌های نبوی و سخنان صحابه و تابعان درباره هر آیه (به همراه ذکر کامل سند هر یک) و گاهی به مباحث فقهی، کلامی و نظر شخصی خود اشاره کرده است.

ب. روش طبری در مواجهه با قرائات

طبری در تفسیر خود به قرائت‌های مختلف آیات قرآن کریم توجه زیادی داشته است. احاطه او به قرائت‌های مختلف قرآن در تفسیرش جلوه‌گر است. تبحر و شناخت طبری نسبت به قرائت‌ها به اندازه‌ای بود که کتاب مستقل و بزرگی در ۱۸ جلد به نام «کتاب القرائات» در این زمینه تألیف کرده و در آن کتاب، تمامی قرائت‌های مشهور و شاذ را به همراه وجوه و توضیح هر قرائت گردآوری کرده است (حموی، ۱۴۱۴: ۲۴۴۴/۶)؛ این کتاب امروزه در دسترس نیست.

طبری در گزارش قرائت‌ها، گاهی نام قاریان را ذکر می‌کند و گاهی با تعبیر کلی مانند «قراء الامصار» و «القراء» و گاهی با تعبیری مانند «قراء اهل الس...» قرائتی را از شهر یا منطقه خاصی مانند مکه، مدینه، حجاز، کوفه، بصره، عراق، شام و... نقل می‌کند. وی در اختلاف قرائاتی که در معنای آیه تفاوت ایجاد می‌کند با عباراتی شبیه «اختلفت القراء فی قرائته...» بحث از اختلاف قرائات را آغاز می‌کند.

یحیی بن زیاد فراء، استاد طبری، معتقد بود هر قرائتی که به لحاظ قواعد عربی جایز باشد، قرائتی صحیح محسوب می‌شود و نباید صرفاً به این دلیل که هیچ یک از قاریان آنگونه قرائت نکرده‌اند آن قرائت را تقبیح کرد (فراء، ۱۹۸۰: ۲۴۵/۱)؛ اما طبری برخلاف استادش، بر این باور بود که هر آنچه در زبان عربی صحیح باشد، قرائتش در قرآن جایز نیست؛ زیرا قرائت آن چیزی است که پیشوایان گذشته خوانده‌اند و سلف آن را به همان شکلی که دریافت کرده‌اند، نقل کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۹۵/۲۲).

طبری مانند بسیاری از عالمان اهل تسنن، قرائت صحیح قرآن را الزاماً منحصر به یک قرائت نمی‌دانست و اگر در یک آیه، دو یا چند قرائت را از نظر زبان عربی صحیح می‌دید، به شرط آنکه هر دو قرائت توسط برخی قاریان مشهور قرائت شده باشند، آن قرائت‌ها را صحیح می‌نامید. در این رابطه تعبیری مثل «کلتا القراءتین معروفهٌ صحیحةٌ... فبأی القراءتین قرأ ذلک قارئٌ فمصبیٌ» در تفسیر وی فراوان مشاهده می‌شود (طبری، ۱۴۱۲: ۳۱/۲، ۵۰، ۳۳۳؛ و...).



طبری با بهره‌گیری از معیارهای مختلف تلاش کرده است که در هر آیه قرائت یا قرائت‌های مناسب‌تر را برگزیند که معیارهای او در گزینش یا ترجیح قرائت عبارتند از: اجماع قاریان (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۳/۱۴۴؛ ۶/۱۱۴؛ ۸/۳۳؛ و...)، موافقت با رسم الخط (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۱/۲۴۸؛ ۱۲/۶۹؛ ۱۸/۳۶-۳۷؛ و...)، هماهنگی با سیاق (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۱/۳۱۸؛ ۱۳/۶۸؛ ۲۹/۱۳۳؛ و...)، هماهنگی با لغت و قواعد زبان عرب (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۳/۱۰۱؛ ۵/۱۹۹؛ ۱۰/۷۹؛ و...)، هماهنگی با شأن نزول (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۳/۲۳۴-۲۳۵؛ ۵/۱۴۴-۱۴۵؛ و...).

ج. رویکرد طبری به قرائت‌های ده‌گانه

رویکرد طبری به قرائت‌های ده‌گانه از دو جهت قابل پیگیری است؛ نخست اینکه طبری به هر یک از قرائت‌های ده‌گانه چه اندازه توجه داشته و آیا آنان را صاحب اختیار و دارای تخصص در گزینش قرائت می‌دانست تا قرائت‌هایی را که ذکر می‌کند به نام آنان انتساب دهد؟ جهت دیگر، این مسئله است که آیا طبری قرائت قاریان ده‌گانه را متواتر و خدشه‌ناپذیر می‌دانست، یا آنکه در برخی آیات، بعضی از قرائت‌های ده‌گانه را نیز مردود دانسته و قرائت طبق آن را جایز ندانسته است؟

۱. توجه طبری به قرائت‌های ده‌گانه

بررسی تفسیر جامع البیان نشان می‌دهد که قرائت‌های مختلف در آیات، هرگاه تأثیری در تفسیر آیه داشته باشند، طبری به آن قرائت توجه کرده و آن را در تفسیر خود گزارش کرده است، چه آن قرائت، قرائتی مشهور از قاریان شناخته شده باشد و چه قرائتی شاذ از قاریان غیرمشهور باشد. بر این اساس طبری به قرائت قاریان ده‌گانه نیز توجه داشته است و در بسیاری از موارد قرائت آنان را به همراه نام آنها گزارش کرده است.

البته از میان قاریان ده‌گانه، موردی که طبری قرائت مورد اختیار یعقوب حضرمی و خلف بن هشام را در تفسیرش نقل کرده باشد، یافت نمی‌شود؛ هرچند طبری نام آن دو را در ضمن سلسله سند روایات تفسیری و غیرتفسیری ذکر کرده است.

به هر حال طبری از هر یک از قاریان ده‌گانه، قرائت‌هایی را با تصریح به نام آنان گزارش کرده است که نمونه‌ای از آنها عبارت است از: ذکر قرائت نافع با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/۸۷؛ ۱۵/۴۰؛ ۱۸/۳۱، ۲۲/۵۶؛ ۲۴/۶۶؛ ۲۵/۲۸؛ ۲۶/۳۶؛ ۲۷/۱۳۱؛ ۲۸/۶؛ و...)؛ ذکر قرائت ابن‌کثیر با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۳۴۶؛ ۱۲/۹۲؛ ۱۳/۱۰۴؛ ۱۵/۴۰؛ ۱۸/۵؛ ۱۴۲: ۲۰/۴۷؛ ۲۳/۱۰۹؛ ۲۷/۸۱؛ ۲۷/۱۳۲؛ و...)؛ ذکر قرائت ابوعمر و بصری با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲: ۲/۱۶۱، ۱۸۸؛ ۱۲/۹۴؛



۱۲۰/۱۳؛ ۹/۱۴؛ ۲۸؛ ۱۳/۱۶؛ ۴۷؛ ۶۴؛ ۱۵۴؛ ۱۱۱/۱۷؛ ...)؛ ذکر قرائت ابن عامر با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۵۴/۱۵؛ ۶۳/۱۶؛ ۱۱۲/۱۸؛ ...) و گاهی ذکر قرائتش با تعابیری مانند «بعض قراء اهل الشام» (طبری، ۱۴۱۲؛ ۴۸/۳؛ ۱۱۱/۷؛ ۳۳/۸؛ ۲۱/۱۰؛ ۶۶/۱۱؛ ۷۳/۱۴؛ ۴۰/۱۵؛ ...)؛ ذکر قرائت عاصم با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۳۸/۳؛ ۳۱/۹؛ ۸۸/۱۴؛ ۱۷۵/۱۵؛ ۱۶۸/۱۶؛ ۴۱/۱۷؛ ۶۵؛ ۱۳۷؛ ۸/۱۸؛ ...)؛ ذکر قرائت حمزه با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۵۴/۱۱؛ ۱۴۴/۱۶؛ ۱۴/۲۰؛ ۴۸/۲۰؛ ۳۸/۲۱؛ ۵۳/۲۲؛ ۹۵؛ ۱۰/۲۸؛ ۱۸/۲۹؛ ۱۳۳؛ ...)؛ ذکر قرائت کسائی با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۶۲/۱۳؛ ۲۸/۱۴؛ ۱۶۸/۱۶؛ ۲۸/۱۷؛ ۱۶/۱۸؛ ۱۱۴/۲۶؛ ۵/۲۷؛ ۵۹؛ ۹۴؛ ۷۰/۲۸؛ ...)؛ ذکر قرائت ابوجعفر مدنی با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۷۱/۱۱؛ ۸۸؛ ۸۷/۱۴؛ ۱۵۳/۱۶؛ ۹۱/۱۷؛ ۱۴۲/۱۸؛ ۶۳/۲۴؛ ۱۳۱/۲۷؛ ۲۶/۲۸؛ ۶۶/۲۹؛ ...)؛ ذکر نام یعقوب در سلسله سند چند روایت تفسیری و غیرتفسیری (طبری، ۱۴۱۲؛ ۲۳۵/۲؛ ۲۴۳؛ ۱۴۶/۱۳؛ ۲۶/۱۴؛ ۳۰؛ ۷۵/۲۵؛ ۱۲۶/۲۹؛ ۵۹/۳۰)؛ ذکر نام خلف بن هشام در سلسله سند چند روایت تفسیری و غیرتفسیری (طبری، ۱۴۱۲؛ ۹۹/۱۲؛ ۱۰۶-۱۰۷؛ ۱۵۰/۱۳).

طبری از سایر قاریانی که بعدها در دسته قاریان چهارده گانه قرار گرفتند نیز قرائت شان را با تصریح به نامشان گزارش کرده است که نمونه ای از آن عبارت است: ذکر قرائت ابن محیصن با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۸۳/۲؛ ۳۶/۱۳؛ ۴۰/۱۵؛ ۵/۲۰؛ ۴۴/۲۵؛ ۷۷/۲۸؛ ۱۳۷/۲۹؛ ۳۲/۳۰؛ ۹۰/۳۰؛ ۱۰۴)؛ ذکر قرائت حسن بصری با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۳۴/۱؛ ۳۴۶؛ ۳۷۶؛ ۸۷/۴؛ ۱۲۵/۵؛ ۲۱۵؛ ۱۸۳/۶؛ ۲۷/۱۱؛ ۱۱۹/۱۳؛ ۷۷/۲۱؛ ...)؛ ذکر قرائت سلیمان بن مهران اعمش با تصریح به نامش (طبری، ۱۴۱۲؛ ۸۲/۳؛ ۴۲/۶؛ ۸۲؛ ۱۹۰؛ ۱۹۵/۷؛ ۲۸/۱۴؛ ۱۴۴/۱۶؛ ۲۸/۱۷؛ ۸۱/۱۷؛ ۷۴/۱۹؛ ...)؛ ذکر نام یحیی بن مبارک یزیدی بصری در نقل سخن ابوعمر و بصری (طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۶۲/۳؛ ۱۱۱/۷).

به هر حال عملکرد طبری در انتساب قرائت هر یک از قاریان یادشده به آنها نشان می دهد که از نظر طبری آنان به عنوان قاریان صاحب اختیار و دارای تخصص در گزینش قرائت بودند، البته به استثناء یعقوب و خلف (از قاریان ده گانه) و یزیدی (از قاریان چهارده گانه) که قرائتی از خود آنان گزارش نکرده است.

۲. عدم تجویز برخی از قرائت های قاریان ده گانه

طبری بر اساس ملاک ها و مبانی خود در ارزیابی قرائت ها، در تفسیرش قرائت های مختلف را اعتبارسنجی کرده و برخی قرائت ها را بر برخی دیگر ترجیح داده است و با معیارهای خود برخی از قرائت ها را مرجوح یا ناخوشایند معرفی کرده و حتی برخی را جایز ندانسته است. تعدادی از این



قرائت‌هایی که طبری جواز آن را زیر سوال برده، قرائت‌هایی است که توسط قاریان ده‌گانه خوانده شده‌اند. طبق پژوهش انجام گرفته، ۳۳ مورد از قرائت قاریان ده‌گانه گردآوری شده است که طبری به صراحت، قرائت کردن مطابق آن قرائت‌ها را جایز ندانسته است. این موارد ابتدا در یک جدول ارائه می‌شود و سپس عملکرد طبری در این رابطه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

طبری درباره مواردی از قرائت‌های قاریان ده‌گانه با تعبیری مانند «لا استجیز القراءة به»، «القراءة التي لا يجوز» و تعبیری از این دست، به صراحت گفته است که قرائت طبق آن قرائت‌ها را جایز نمی‌داند. این موارد به همراه بخش مربوط از عبارت طبری در این رابطه به این ترتیب است:

ردیف	آیه	قرائت تجویز شده طبری	قرائت غیر جایز نزد طبری	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۱	بقره: ۳۷	آدم... کلمات	آدم... کلمات (ابن کثیر)	فغير جائز عندی فی القراءة إلا رفع «آدم».	۱۹۳/۱
۲	بقره: ۷۸	أمانی	أمانی (ابوجعفر)	فأما القراءة التي لا يجوز غيرها عندی لقارئ فی ذلک فتشديد ياء الأمانی.	۲۹۸/۱
۳	بقره: ۹۷	جبریل / جبرئیل / جبریل	جبریل (ابن کثیر)	وقد ذکر عن الحسن البصری و عبد الله بن کثیر أنهما کانا یقرآن «جبریل»... هی قراءة غیر جائزة القراءة بها.	۳۴۶/۱
۴	بقره: ۱۴۰	تقولون	تقولون (نافع، ابن کثیر، شعبه، ابو عمرو، ابوجعفر، روح از یعقوب)	و غیر جائزة قراءة ذلک بالياء.	۴۴۶/۱
۵	بقره: ۲۸۲	تجارة	تجارة (عاصم)	فإن الذی اختار من القراءة، ثم لا أستجیز القراءة بغيره، الرفع.	۸۷/۳
۶	بقره: ۲۸۵	لا یفرق / لا یفرق	لا یفرق (یعقوب)	و القراءة التي لا نستجیز غيرها فی ذلک عندنا بالنون.	۱۰۱/۳ - ۱۰۲
۷	آل عمران: ۱۹۵	قتلوا وقاتلوا / قاتلوا و قتلوا	قاتلوا و قتلوا (ابن کثیر، ابن عامر) / قتلوا و قاتلوا / قتلوا و قتلوا	و القراءة التي لا أستجیز أن أعدوها إحدى هاتین القراءة تین و هی «و قاتلوا و قتلوا» بالتخفيف، أو «و قتلوا» بالتخفيف «و قاتلوا».	۱۴۵/۴
۸	نساء: ۲۵	المُحصنات	المُحصنات (کسانی)	فانی لا أستجیز الکسر فی صاده.	۱۲/۵



۹	نساء: ۹۰	حَصِرَتْ	حصرة (يعقوب)	و قد ذكر عن الحسن البصري أنه كان يقرأ ذلك «أو جاءوكم حصرة صدورهم» نصبا؛ و هي صحيحة في العربية فصيحة، غير أنه غير جائز القراءة بها عندي.	۱۲۵/۵
۱۰	انعام: ۱۰۸	عَدَوًّا	عَدَوًّا/ عُدَوًّا (يعقوب)	و الصواب من القراءة عندي في ذلك قراءة من قرأ بفتح العين و تخفيف الواو لإجماع الحجة من القراء على قراءة ذلك كذلك و غير جائز خلافها.	۲۰۸/۷
۱۱	انعام: ۱۳۷	زَيْنٌ... قَتَلَ	زَيْنٌ... قَتَلَ	القراءة التي لا أستجيز غيرها «و كَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ»... لا أستجيز القراءة بغيرها.	۳۳/۸
۱۲	توبه: ۱۲	أَيِّمَان	إيمان (ابن عامر)	و الصواب من القراءات في ذلك الذي لا أستجيز القراءة بغيره، قراءة من قرأ بفتح الألف دون كسرهما.	۶۳/۱۰
۱۳	توبه: ۳۷	النسيء	النسيء (ابوجعفر)	و أما الصواب من القراء في النسيء فالهمز و قراءته على تقدير فعل؛ لأنها القراءة المستفيضة في قراءة الأمصار التي لا يجوز خلافها.	۹۱/۱۰
۱۴	توبه: ۱۰۰	الأنصار	الأنصار (يعقوب)	و القراءة التي لا أستجيز غيرهما الخفض في «الأنصار».	۷/۱۱
۱۵	يونس: ۲۷	قَطَعَا	قَطَعَا (ابن كثير، كسائي، يعقوب)	و القراءة التي لا يجوز خلافها عندي قراءة ذلك بفتح الطاء.	۷۸-۷۷/۱۱
۱۶	يوسف: ۳۳	السجن	السجن (يعقوب)	و قد ذكر عن بعض المتقدمين أنه يقرؤه «السجن أحب إلي» بفتح السين؛ و لا أستجيز القراءة بذلك.	۱۲۴/۱۲ ۱۲۵
۱۷	حجر: ۱۵	سُكِّرَتْ	سُكِّرَتْ (ابن كثير)	أن القراءة التي لا أستجيز غيرها في القرآن «سُكِّرَتْ» بالتشديد.	۱۰/۱۴
۱۸	اسراء: ۱۰۲	علمت	علمت (كسائي)	روى عن علي بن أبي طالب في ذلك، أنه قرأ «لقد علمت» بضم التاء... غير أن القراءة التي عليها قراء الأمصار خلافها و غير جائز عندنا خلاف الحجة.	۱۱۶/۱۵
۱۹	كهف: ۲۸	بِالْغَدَاةِ	بِالْغَدَاةِ	القراءة عندنا في ذلك ما عليه القراء في	۱۵۴/۱۵



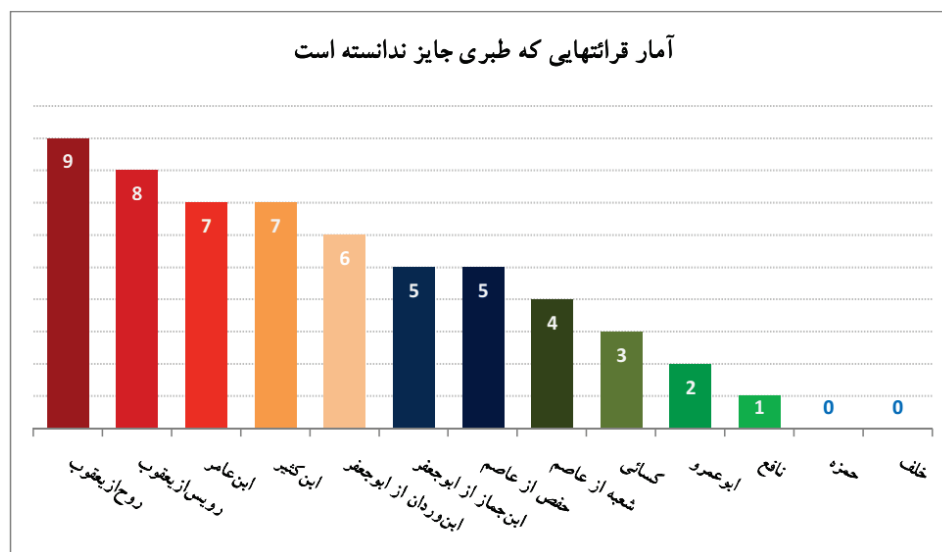
١٥٥	الأمصار لا نستجيز غيرها.	(ابن عامر)			
٤٧/١٦	الصواب من القراءة في ذلك، ما عليه قراء الأمصار، وهو «لَا هَبَ لَكِ» بالألف دون الياء، لأن ذلك كذلك في مصاحف المسلمين، وعليه قراءة قديمهم وحديثهم، غير أبي عمرو، وغير جازن خلافهم فيما أجمعوا عليه.	ليهب (ابوعمر)	لأهب	مريم: ١٩	٢٠
١٢١/١٦-١٢٢	و ذكر عن عبد الله بن أبي إسحاق أنه كان يقرأ «أشدد به أزرى» بفتح الألف من أشدد «وأشركه في أمرى» بضم الألف من أشركه... وذلك قراءة لا أرى القراءة بها، وإن كان لها وجه مفهوم، لخلافها قراءة الحجة التي لا يجوز خلافها.	أشدد...أشركه (ابن عامر و ابن وردان از ابوجعفر)	اشدد...اشركه	طه: ٣١	٢١
١٤٠/١٦	القراءة التي لا يجوز عندي في ذلك غيرها يُخَيَّلُ بالياء.	تُخَيَّلُ (ابن ذكوان از ابن عامر، روح از يعقوب)	يُخَيَّلُ	طه: ٦٦	٢٢
٦٦-٦٥/١٧	الصواب من القراءة التي لا أستجيز غيرها في ذلك عندنا ما عليه قراء الأمصار من قراءته بنونين وتخفيف الجيم.	نَجَّى (ابن عامر، شعبه)	ننجى المؤمنين	انبياء: ٨٨	٢٣
١٠٣/١٧	وقد ذكر عن بعض القراء أنه قرأه «سَوَاءً» نصبا على إعمال «جعلناه» فيه، وذلك وإن كان له وجه في العربية، فقراءة لا أستجيز القراءة بها.	سواء (حفص)	سواء	حج: ٢٥	٢٤
٨٦/٢١	و القراءة على فتح الميم من قوله: «لَا مَقَامَ لَكُمْ» بمعنى: لا موضع قيام لكم؛ وهي القراءة التي لا أستجيز القراءة بخلافها.	لَا مَقَامَ (حفص)	لا مقام	احزاب: ١٣	٢٥
١٠٢/٢٢	و القراءة التي لا نجيز القراءة بغيرها القراءة التي عليها قراء الأمصار، وهي دخول ألف الاستفهام على حرف الجزاء وتشدید الكاف.	أَنْ ذُكِرْتُمْ (ابوجعفر)	أِنْ ذُكِرْتُمْ	يس: ١٩	٢٦
٢٤/٢٣	فأما النصب في الكواكب والرفع، فلا أستجيز القراءة بهما.	الكواكب (شعبه) الكواكب	بزينة الكواكب/ بزينة الكواكب	صافات: ٦	٢٧



۲۸	غافر: ۳۷	فاطَلَع	فاطَلَع (حفص)	و القراءة التي لا أستجيز غيرها الرفع في ذلك.	۴۳/۲۴
۲۹	حجرات: ۱	لا تُقَدِّمُوا	لا تُقَدِّمُوا (يعقوب)	و بضم التاء من قوله «لا تُقَدِّمُوا قراء الأمصار» قراء الأمصار و هي القراءة التي لا أستجيز القراءة بخلافها.	۷۴/۲۶
۳۰	حشر: ۷	دُولَةٌ	دُولَةٌ (ابوجعفر، هشام از ابن عامر)/ دُولَةٌ	و القراءة التي لا أستجيز غيرها في ذلك «كَيَّ لَا يَكُونُ» بالياء «دُولَةٌ» بضم الدال و نصب الدولة.	-۲۶/۲۸ ۲۷
۳۱	معارج: ۱۶	نزاعة	نزاعة (حفص)	و «نَزَاعَةٌ» ابتداء، فذلك رفع، و لا يجوز النصب في القراءة.	۴۸/۲۹
۳۲	قيامت: ۱	لا أقسم	لأقسم (ابن كثير)	قد دللنا على أن قراءة من قرأ الحرف الأول «لأقسم» بوصل اللام بأقسم قراءة غير جائزة.	۱۰۹/۲۹
۳۳	مرسلات: ۳۳	جمالت/ جمالات	جُمالات (رويس از يعقوب)	فأما ضم الجيم فلا أستجيزه.	۱۴۸/۲۹

۳. تحلیل عملکرد طبری نسبت به قرائت‌های ده‌گانه

تعداد قرائت‌هایی که طبری جایز ندانسته، نسبت به هر یک از قاریان متفاوت است که آمار آن در جدول ذیل نسبت به قرائت هر قاری مشخص می‌شود:





گزارش فوق و آمار ارائه شده می‌تواند از ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار گیرد، اما آنچه در اینجا مقصود است، نشان دادن این حقیقت است که اولاً، دیدگاه مشهور اهل تسنن مبنی بر متواتر دانستن هر یک از قرائت‌های ده‌گانه (زرقانی، بی‌تا، ۴۳۴/۱)^۱، پشتوانه تاریخی ندارد؛ زیرا اگر این قرائت‌ها متواتر بودند، طبری که نسبت به قرائت‌های مختلف عالم و صاحب تألیف مستقل بود، نسبت به آن بی‌اطلاع نمی‌ماند؛ چگونه برخی در سده‌های بعد، همه قرائت‌های ده‌گانه را متواتر نامیده‌اند در حالی که طبری، از عالمان به قرائت در سده سوم هجری، به چنین تواتری برای این قرائت‌ها جاهل بوده است؟ وقتی در سده‌های نخست هجری نزد عالمان بزرگ قرائت همچون طبری، هیچ یک از قرائت‌های ده‌گانه دارای سند متواتر نبوده‌اند، چگونه امکان دارد چنین تواتری در سند این قرائت‌ها در سده‌های بعد به وجود آمده باشد؟

ثانیاً، عملکرد طبری دیدگاه متأخر در میان شیعه را نیز نقض می‌کند؛ دیدگاهی که در سده چهاردهم هجری توسط مرحوم بلاغی ابداع شد و توسط آیت الله معرفت به شهرت رسید که بر اساس آن، روایت حفص از قرائت عاصم، از صدر اسلام قرائتی متواتر، بلکه فراتر از تواتر دانسته شد که جمیع مسلمانان در هر دوره و در همه طبقات آن را نقل کرده‌اند (نک: بلاغی، ۱۴۲۰، ۲۹/۱؛ معرفت، ۱۳۸۱، ۲۴۶-۲۴۷)؛ اگر در عصر طبری قرائت عاصم به روایت حفص دارای چنین نقل متواتر و چنین اجماعی بین مسلمانان بود، طبری جواز آن را نفی نمی‌کرد؛ به ویژه آنکه طبری دلیل اصلی خود را در عدم تجویز قرائت‌های یادشده در اکثر موارد، مخالفت با اجماع معرفی کرده است.

د. رویکرد طبری به روایت حفص از عاصم

یکی از قاریانی که طبری در تفسیرش فراوان از وی قرائت نقل کرده، عاصم بن ابی النجود است. عاصم قرائتش را در مسجد کوفه به صورت عمومی تعلیم می‌داد و شاگردان متعددی داشت؛ اما برجسته‌ترین شاگرد وی ابوبکر بن عیاش (شعبه) به اندازه‌ای در نقل قرائت عاصم، مشهور و مورد اعتماد بود که برخی راویان به دلیل ناخوشایند دانستن مخالفت با او، قرائت عاصم را روایت نمی‌کردند. برای نمونه، حسین جعفی که کسائی او و ابن‌ادریس را قاری‌ترین افراد معرفی کرده (ابن‌جزری، ۱۳۵۱: ۱/ ۴۰۹) گفته است: می‌خواستم قرائت عاصم را از حماد بن عمرو اسدی بیاموزم، اما کراهت داشتم که با ابوبکر بن عیاش مخالفت کنم، پس این کار را ترک کردم (ابن‌جزری، ۱۳۵۱: ۲۵۹/۱).

۱. فخر رازی و زرکشی با آنکه خود تواتر قرائت را نپذیرفته‌اند، تواتر قرائت‌های هفت‌گانه را نظر مشهور اهل تسنن معرفی کرده‌اند (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ۷۰/۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ۴۶۶/۱).



طبری نیز در تفسیرش به ابوبکر بن عیاش (شعبه) اعتماد داشت و افزون بر اینکه در برخی موارد به نام ابوبکر بن عیاش در نقل قرائت عاصم تصریح کرده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۶/۱۵؛ ۵۲/۲۵)، بر اساس مستنداتی که خواهد آمد، در نقل قرائت عاصم، روایت دیگران از جمله روایت حفص را به کلی نادیده می‌گرفت.

طبری همچنین احادیث تفسیری فراوانی از طریق ابوبکر بن عیاش نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۱، ۷۷، ۲۷۶، ۴۲۴؛ ۳/۲، ۸۴، ۱۰۱، ۱۱۸، ۱۳۸؛ ۱۳۳/۳، ۵۷/۴، ...) و حتی گاهی نظرات تفسیری خود شعبه را نیز گزارش کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۵۴/۲، ۱۰۰، ۱۷۲، ۱۷۴؛ ۱۸۵/۷؛ ۱۳۴/۱۲-۱۳۵؛ ۱۰۸/۲۹).

در مقابل، رویکرد طبری به حفص مانند رویکردش به شعبه نیست. طبری سه روایت تفسیری ذکر کرده که در سلسله سند آن، نام «حفص بن سلیمان» وجود دارد که توجه به راوی و مروی‌عنه در این سلسله نشان می‌دهد، مقصود از این شخص در دو روایت از این سه روایت، حفص بن سلیمان کوفی است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰۴/۲؛ ۶۴/۱۱)، اما مقصود در روایت سوم، حفص بن سلیمان منقری بصری است که آن روایت را از حسن بصری نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۶/۷).

البته طبری روایت دیگری نیز از حفص بن سلیمان کوفی، راوی عاصم، نقل کرده است که در سند این روایت، از وی با عنوان «حفص غاضری» یاد شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۸۱/۶). این عنوان برای حفص کوفی، عنوانی است که شاگرد وی، علی بن یزید صدائی، با هدف تدلیس و مخفی کردن هویت حفص بن سلیمان کوفی و پوشاندن ضعف سند روایت به سبب ضعف حفص به کار می‌برد (نک: خطیب بغدادی، ۱۴۰۷: ۱۸/۲؛ بکری، ۱۴۴۲، ۷۱-۷۲).

به جز سه روایت یادشده که نام حفص در سلسله سند آن وجود دارد، هیچ اثری از وی در تفسیر طبری یافت نمی‌شود؛ طبری نه در نقل قرائت عاصم از وی نام برده است و نه مطلبی از خود او نقل کرده است؛ افزون بر آنکه شواهد متعددی که در ادامه ذکر می‌شود، نشان می‌دهد طبری در نقل قرائت عاصم کوچکترین توجهی به روایت حفص نداشت و روایت او را کاملاً نادیده می‌گرفت.

۱. جایز ندانستن قرائت برخی آیات طبق روایت حفص

چنانکه گذشت، طبری در تعدادی از آیات به صراحت از جایز ندانستن قرائت طبق برخی از قرائت‌ها سخن گفته است که پنج مورد از این قرائت‌ها، قرائت‌هایی است که حفص، قرائت عاصم را به همان شکل روایت کرده است. برای اشاره به عبارت‌های کامل‌تر طبری در رابطه با این موارد، هر یک از این موارد در جدول ذیل مرتب می‌شوند.



ردیف	آیه	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۱	البقرة: ۲۸۲؛ عاصم (حفص و شعبه): تَجَارَةً	فقرأته عامة قراء الحجاز والعراق وعامة القراء «إلا أن تكون تجارة حاضرة» بالرفع وانفرد بعض قراء الكوفيين فقرأه بالنصب؛ وذلك وإن كان جائزا في العربية... فإن الذي اختار من القراءة ثم لا أستجيز القراءة بغيره، الرفع في «التجارة الحاضرة»، لإجماع القراء على ذلك وشذوذ من قرأ ذلك نصبا عنهم ولا يعترض بالشاذ على الحجة.	۸۷/۳
۲	حج: ۲۵؛ حفص: سواء	و أما قوله «سواء العاكف فيه» فإن قراء الأمصار على رفع «سواء»... وقد ذكر عن بعض القراء أنه قرأه «سواء» نصبا على إعمال «جعلناه» فيه؛ وذلك وإن كان له وجه في العربية، فقراءة لا أستجيز القراءة بها لإجماع الحجة من القراء على خلافه.	۱۰۳/۱۷
۳	احزاب: ۱۳؛ حفص: لا مقام	و القراءة على فتح الميم من قوله «لا مقام لكم» بمعنى «لا موضع قيام لكم»؛ وهي القراءة التي لا أستجيز القراءة بخلافها، لإجماع الحجة من القراء عليها؛ وذكر عن أبي عبد الرحمن السلمي أنه قرأ ذلك «لا مقام لكم» بضم الميم، يعني: لا إقامة لكم.	۸۶/۲۱
۴	غافر: ۳۷؛ حفص: فاطلع	اختلف القراء في قراءة قوله «فَاطَّلَعُ» فقرأت ذلك عامة قراء الأمصار «فَاطَّلَعُ» بضم العين، ردا على قوله «أَبْلَغُ الْأَسْبَابِ» وعطفا به عليه؛ وذكر عن حميد الأعرج أنه قرأ «فَاطَّلَعُ» نصبا جوابا لِلْعَلَى... والقراءة التي لا أستجيز غيرها الرفع في ذلك، لإجماع الحجة من القراء عليه.	۴۳/۲۴
۵	معارج: ۱۶؛ حفص: نزاعة	و «نَزَاعَةً» ابتداءً، فذلك رفع، ولا يجوز النصب في القراءة، لإجماع قراء الأمصار على رفعها ولا قارئ قرأ كذلك بالنصب؛ وإن كان للنصب في العربية وجه.	۴۸/۲۹

چنانکه مشاهده می شود، طبری در نفی جواز قرائت در همه این موارد، به اجماع قاریان استناد کرده است. جالب است که طبری در هیچ یک از این موارد، نامی از حفص نبرده است و حتی وقتی به قرائت «نزاعة» اشاره کرده که از بین قاریان مشهور و ناشناس، حفص در آن منفرد است، چنین گفته است: هیچ قاری وجود ندارد که اینگونه به نصب قرائت کرده باشد، هرچند از نظر زبان عربی، نصب دارای وجه است. البته موارد نفی جواز قرائت عاصم، منحصر به روایت حفص نیست؛ زیرا چهار مورد از قرائاتی که طبری قرائت آن‌ها را مُجاز ندانسته، مطابق با روایت شعبه از عاصم است؛ قرائت «تَجَارَةً» (بقره: ۲۸۲) به صورت منصوب (طبری، ۱۴۱۲: ۸۷/۳)، قرائت «يَقُولُونَ» (بقره: ۱۴۰) با حرف ياء (طبری، ۱۴۱۲: ۸۸/۱)، قرائت «نَجَّى» (انبیاء، ۸۸) با یک نون و با تشدید جیم (طبری، ۱۴۱۲: ۶۵/۱۷-۶۶) و قرائت «الكوَكَبِ» (صافات، ۶) با نصب (طبری، ۱۴۱۲: ۲۴/۲۳) قرائت‌هایی است که شعبه آن را از عاصم روایت کرده و طبری آن قرائت‌ها را جایز ندانسته است.



۲. نادیده گرفتن روایت حفص در نقل قرائت عاصم

طبری در تفسیرش بارها قرائت عاصم را نقل کرده است که توجه به آنها در مواردی که حفص و شعبه در نقل قرائت عاصم اختلاف دارند، نشان می‌دهد که طبری قرائت عاصم را به روایت شعبه گزارش می‌کرد و روایت حفص را به کلی نادیده می‌گرفت؛ به شکلی که گویی طبری راوی دیگری برای عاصم باور ندارد.

مواردی که طبری بدون اعتنا به روایت حفص، روایت شعبه را به عنوان «قرائت عاصم» گزارش کرده است، در جدول ذیل ارائه می‌شود.

ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	روایت شعبه از عاصم	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۱	آل عمران: ۱۵	رِضَوَانٌ	رُضْوَان	فَأَمَّا الرُّضْوَانُ بِضَمِّ الرَّاءِ فَهُوَ لُغَةٌ قِيسٌ وَبِهِ كَانَ عَاصِمٌ يَقْرَأُ.	۱۳۸/۳
۲	اعراف: ۱۳۷	يَعْرِشُونَ	يَعْرِشُون	فَقَرَأْتَهُ عَامَةً قِرَاءَ الْحِجَازِ وَ الْعِرَاقِ «يَعْرِشُونَ» بِكسرِ الرَّاءِ، سَوَى عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ، فَإِنَّهُ قَرَأَهُ بِضَمِّهَا.	۳۱/۹
۳	نحل: ۶۶	نُسْقِيكُمْ	نَسْقِيكُمْ	وَقَرَأَ ذَلِكَ عَامَةً قِرَاءَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ سَوَى أَبِي جَعْفَرٍ، وَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ عَاصِمٌ: «نَسْقِيكُمْ» بِفَتْحِ النُّونِ.	۸۸/۱۴
۴	کهف: ۵۹	لِمَهْلِكِهِمْ	لَمَهْلِكِهِمْ	قَرَأَهُ عَاصِمٌ «لَمَهْلِكِهِمْ» بِفَتْحِ الْمِيمِ وَ اللَّامِ.	۱۷۵/۱۵
۵	طه: ۱۳۰	لَعَلَّكَ تَرْضَى	لَعَلَّكَ تُرْضَى	كَانَ عَاصِمٌ وَ الْكَسَائِيُّ يَقْرَأْنَ ذَلِكَ «لَعَلَّكَ تُرْضَى» بِضَمِّ التَّاءِ.	۱۶۸/۱۶
۶	انبیاء: ۸۰	لِنُحْصِنُكُمْ	لِنُحْصِنَكُمْ	وَقَرَأَ شَيْبَةُ بْنُ نَصَّاحٍ وَ عَاصِمٌ بْنُ أَبِي النَّجُودِ «لِنُحْصِنَكُمْ» بِالنُّونِ.	۴۱/۱۷
۷	انبیاء: ۸۸	نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ	نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ	فَقَرَأَتْ ذَلِكَ قِرَاءَ الْأَمْصَارِ سَوَى عَاصِمِ بْنِ نُوَيْنٍ الثَّانِيَةِ مِنْهُمَا سَاكِنَةً... وَقَرَأَ ذَلِكَ عَاصِمٌ «نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ» بِنُونٍ وَاحِدَةٍ وَ تَثْقِيلِ الْجِيمِ وَ تَسْكِينِ الْيَاءِ.	۶۵/۱۷
۸	حج: ۶۲	أَنْ مَا يَدْعُونَ	أَنَّ مَا تَدْعُونَ	قَرَأْتَهُ عَامَةً قِرَاءَ الْعِرَاقِ غَيْرِ عَاصِمِ بِالْيَاءِ عَلَى وَجْهِ الْخَبَرِ.	۱۳۷/۱۷
۹	مؤمنون: ۱۴	عِظَامًا فَكَسُونَا الْعِظَامَ	عَظْمًا فَكَسُونَا الْعَظْمَ	وَ كَانَ عَاصِمٌ وَ عَبْدُ اللَّهِ يَقْرَأْنَ ذَلِكَ «عِظَامًا» فِي الْحَرْفَيْنِ عَلَى التَّوْحِيدِ جَمِيعًا.	۸/۱۸



ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	روایت شعبه از عاصم	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۱۰	مؤمنون: ۲۹	مُنْزَلًا مُّبَارَكًا	مُنْزَلًا	وقراه عاصم «مَنْزِلًا» بفتح الميم وكسر الزاي.	۱۴/۱۸
۱۱	نور: ۳۶	يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا	يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا	فقرأ ذلك عامة قراء الأمصار «يُسَبِّحُ لَهُ» بضم الياء وكسر الباء... سوى عاصم وابن عامر، فإنهما قرءا ذلك «يُسَبِّحُ لَهُ» بضم الياء وفتح الياء، على ما لم يسم فاعله.	۱۱۲/۱۸
۱۲	نور: ۵۵	كَمَا اسْتَخْلَفَ	كَمَا اسْتَخْلَفَ	وقرأ ذلك عاصم: «كما استخلف» بضم التاء وكسر اللام، على مذهب ما لم يسم فاعله.	۱۲۲/۱۸
۱۳	نور: ۵۵	وَلْيَبْدِلْهُمْ	وَلْيَبْدِلْهُمْ	فقرأ ذلك عامة قراء الأمصار سوى عاصم «وَلْيَبْدِلْهُمْ» بتشديد الدال... وكان عاصم يقرؤه «وَلْيَبْدِلْهُمْ» بتخفيف الدال.	۱۲۲/۱۸
۱۴	فرقان: ۶۹	يُضَاعَفُ... وَ يَخْلُدُ	يُضَاعَفُ... وَ يَخْلُدُ	فقرأته عامة قراء الأمصار سوى عاصم يُضَاعَفُ جزماً وَ يَخْلُدُ جزماً. وقراه عاصم: «يُضَاعَفُ» رفعاً «وَلْيَخْلُدُ» رفعاً.	۲۹/۱۹
۱۵	سبأ: ۱۲	وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ	ولسليمان الريحُ	وقرأ ذلك عاصم «ولسليمان الريح» رفعاً.	۴۷/۲۲
۱۶	غافر: ۴۶	السَّاعَةُ ادْخُلُوا	السَّاعَةُ ادْخُلُوا	وقرأ ذلك عاصم وأبو عمرو «وَيَوْمَ تقوم الساعة ادخلوا» بوصل الألف وسقوطها في الوصل من اللفظ وبضمها إذا ابتدئ بعد الوقف على الساعة.	۴۷/۲۴
۱۷	محمد: ۳۱	وَلْيَبْلُوكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ... وَ تَبْلُوا	وليبلونكم حتى يعلم... ويبلوا	فقرأ ذلك عامة قراء الأمصار بالنون «تَبْلُوا» و «نَعْلَمَ» و «نبلو» على وجه الخبر من الله جل جلاله عن نفسه، سوى عاصم فإنه قرأ جميع ذلك بالياء.	۳۹/۲۶
۱۸	حديد: ۱۸	الْمُصَدِّقِينَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ	المصَدِّقِينَ وَ المصَدِّقَاتِ	فقرأته عامه قراء الأمصار خلا ابن كثير وعاصم بتشديد الصاد والدال... وقرا ابن كثير وعاصم «إن المصدقين والمصدقات» بتخفيف الصاد وتشديد الدال.	۱۳۲/۲۷
۱۹	تحریم: ۸	تَوْبَةً نَّصُوحًا	توبة نصوحا	فقرأته عامة الأنصار خلا عاصم «نُصُوحًا» بفتح النون على أنه من نعت التوبة و صفتها؛ و ذكر عن عاصم أنه قرأه «نُصُوحًا» بضم النون.	۱۰۸/۲۸



ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	روایت شعبه از عاصم	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۲۰	جن: ۳	وَ أَنَّهُ تَعَالَى...	وَ إِنَّهُ تَعَالَى...	و أما قراء الكوفة غير عاصم، فإنهم يفتحون جميع ما في آخر سورة النجم و أول سورة الجن إلا قوله «فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا» و قوله «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي» و ما بعده إلى آخر السورة، و أنهم يكسرون ذلك غير قوله «يَعْلَمُ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ»؛ و أما عاصم فإنه كان يكسر جميعها إلا قوله: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَإِنَّهُ كَانَ يفتحها».	۶۷/۲۹
۲۱	انسان: ۲۱	خُضِرَ وَ إِسْتَبْرَقَ	خضِر و استبرق	و قرأ ذلك عاصم و ابن كثير «خضِر» خفضا «وَ إِسْتَبْرَقَ» رفعاً.	۱۳۷/۲۹

۳. نادیده گرفتن روایت حفص در نقل قرائت قاریان کوفه

طبری در نقل قرائت قاریان کوفه، بارها روایت حفص را نادیده گرفته است و هنگامی که روایت شعبه از عاصم با قرائت سایر قاریان کوفه مانند حمزه و کسائی یکسان بود، همان قرائت را به عنوان قرائت قاریان کوفه معرفی می‌کرد و هیچ اعتنا و اشاره‌ای به روایت متفاوت حفص از عاصم نمی‌کرد.

طبری قرائت قاریان کوفه را گاه در ضمن تعبیر «عامه قراء الأمصار» یاد کرده و روایت متفاوت حفص را نادیده گرفته است؛ چنانکه در آیه ۸۲ سوره قصص، قرائت «لَخُسِفَ بَنَّا» را به عنوان قرائت عموم قاریان شهرها به جز شبیه و حسن بصری معرفی کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۸/۲۰) در حالی که قرائت عاصم به روایت حفص، «لَخُسِفَ بَنَّا» است. طبری همچنین در آیه ۳۷ سوره غافر قرائت «فَأَطْلَعُ» را قرائت عموم قاریان شهرها به جز حمید اعرج معرفی کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۳/۲۴) در حالی که حفص آن را به صورت «فَأَطْلَعُ» از عاصم روایت کرده است. همچنین در آیه ۶۳ سوره طه قرائت «إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ» را به تشدید «إِنَّ» به عنوان قرائت عموم قاریان شهرها معرفی کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۶/۱۶) و توجهی به روایت حفص از عاصم (إِنَّ هَذَانِ) نکرده است.

طبری گاهی نیز قرائت قاریان کوفه را در ضمن تعبیر «قراء العراق» جای داده و به روایت متفاوت حفص اشاره‌ای نکرده است؛ چنانکه در آیه ۱۰۷ سوره مائده، قرائت «اسْتَحَقَّ» را به عنوان قرائت قاریان عراق، حجاز و شام معرفی کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۷/۷) در حالی که عاصم به روایت حفص «اسْتَحَقَّ» قرائت کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۷/۷). همچنین در آیه ۹۴ سوره انعام قرائت «تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» را به عنوان قرائت قاریان عراق و مکه گزارش کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۷-۱۸۶) در حالی که



روایت حفص از عاصم «تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» است. در آیه ۷۱ زخرف نیز قرائت «تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ» را به عنوان قرائت عموم قاریان عراق معرفی کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۵۸/۲۵)، حال آنکه قرائت عاصم به روایت حفص «تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ» است.

اما سایر مواردی که طبری با تعبیری مانند «اهل الكوفة» یا «الكوفيون» نقل کرده و در آن موارد، در اخذ قرائت عاصم تنها بر روایت شعبه تکیه کرده و روایت متفاوت حفص از وی را نادیده گرفته، متعدّد است که در جدول ذیل گزارش می‌شوند.

ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت اهل کوفه (عاصم به روایت شعبه، حمزه، کسانئ)	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۱	بقره: ۹۸	جَبْرِيلَ وَمِيكَالَ	جَبْرِيلُ ^۱ و میکانیل	أما تميم و قيس و بعض نجد فيقولون «جَبْرِيل و ميكانيل»، على مثال جَبْرِعِيل و ميكاغيل بفتح الجيم و الراء و بهمز و زيادة ياء بعد الهمزة؛ و على القراءة بذلك عامة قراء أهل الكوفة.	۳۴۶/۱
۲	آل عمران: ۸۳	يَبْغُونَ - يَرْجِعُونَ	تَبْغُونَ - تَرْجِعُونَ	فقرأته عامة قراء الحجاز من مكة و المدينة و قراء الكوفة «أ فغير دين الله تبغون»، «و إليه ترجعون» على وجه الخطاب.	۲۳۹/۳
۳	آل عمران: ۱۴۰	قَرَح - قُرَح	قُرَح - قُرَح	و قرأ عامة قراء الكوفة «إن يمسسكم قُرَح فقد مس القوم قُرَح مثله» بضم القاف فيهما.	۶۷/۴
۴	مانده: ۸۹	عَقَّدْتُم	عَقَّدْتُم	فقرأته... و قراء الكوفيين «بما عَقَّدْتُم الأيمان» بتخفيف القاف.	۱۰/۷
۵	انعام: ۱۶	يُصْرِف	يَصْرِف	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «من يَصْرِف عنه» بفتح الياء و كسر الراء.	۱۰۲/۷
۶	انعام: ۵۵	لَتَسْتَبِينَ سَبِيلُ	لَيْسْتَبِينَ سَبِيلُ	و قرأ ذلك عامة قراء أهل الكوفة «و لَيْسْتَبِينَ» بالياء «سَبِيلُ المجرمين» برفع السبيل.	۱۳۴/۷
۷	انعام: ۱۱۹	حَرَّمَ	حُرِّمَ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفيين «وَقَدْ فَصَّلَ» بفتح فاء «فَصَّلَ» و تشديد صاده، «ما حُرِّمَ» بضم حائه و تشديد رائه.	۱۰/۸

۱. البته در این آیه طرق مختلف در گزارش روایت شعبه اختلاف دارند؛ علیمی از شعبه «جَبْرِيلُ» و یحیی بن آدم از وی «جَبْرِيلُ» نقل کرده است (نک: دمیاطی: ۱۴۲۲، ص ۱۸۸).



ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت اهل کوفه (عاصم به روایت شعبه، حمزه، کسائی)	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۸	اعراف: ۱۵۰؛ طه: ۹۴	اُمّ (به فتح میم)	اُمّ (به کسر میم)	و قرأ ذلك عامة قراء أهل الكوفة «يا ابن اُمّ» بكسر الميم من الأُم.	۴۶/۹
۹	انفال: ۱۹	أَنَّ الله	إِنَّ الله	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفيين و البصريين «و إِنَّ الله» بكسر الألف على الابتداء.	۱۳۹/۹
۱۰	رعد: ۴	زَرَعٌ وَ نَخِيلٌ	زَرِعٌ وَ نَخِيلٍ	فقرأ ذلك عامة قراء أهل المدينة و الكوفة «و زَرِع وَ نَخِيلٍ» بالخفض.	۶۵/۱۳
۱۱	اسراء: ۷	لَيْسُوا	لَيْسَوْ (كسائی: لَيْسَوْ)	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «لَيْسَوْ وَ جَوْهَكُم» على التوحيد و بالياء... و قرأ ذلك بعض أهل العربية من الكوفيين (الكسائی) «لَيْسَوْ وَ جَوْهَكُم» على وجه الخبر من الله Y عن نفسه.	۲۵/۱۵
۱۲	اسراء: ۲۳	أَفَّ (با تنوین)	أُفَّ (بدون تنوین)	و أما الذين خفضوا بغير تنوین و هی قراءة عامة قراء الكوفيين و البصريين، فإنهم قالوا...	۴۸/۱۵
۱۳	كهف: ۸۶	حَمِيَّةٌ	حامیه	و قرأته جماعة من قراء المدينة و عامة قراء الكوفة «فی عین حامية».	۹/۱۶
۱۴	طه: ۸۷	حُمَلْنَا	حَمَلْنَا	و قرأته عامة قراء الكوفة و البصرة و بعض المكيين «حَمَلْنَا» بتخفيف الحاء و الميم و فتحهما.	۱۴۸/۱۶
۱۵	انبیاء: ۹۵	حَرَامٌ	حِرْمٌ	فقرأته عامة قراء أهل الكوفة «و حِرْمٌ» بكسر الحاء.	۶۸/۱۷
۱۶	نور: ۳۵	يُوقَدُ	تُوقَدُ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «تُوقَدُ» بضم التاء و تخفيف القاف و رفع الدال.	۱۰۹/۱۸
۱۷	نور: ۵۸	ثَلَاثُ	ثَلَاثٌ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «ثَلَاثٌ عورات» بنصب «الثلاث».	۱۲۵/۱۸
۱۸	فرقان: ۱۷	يَحْشَرُهُم	نَحْشَرُهُم	و قرأته عامة قراء الكوفيين «نَحْشَرُهُم» بالنون.	۱۴۲/۱۸
۱۹	فرقان: ۷۵	يُلْقُونَ	يَلْقُونَ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «و يَلْقُونَ» بفتح الياء و تخفيف القاف.	۳۵/۱۹



ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت اهل کوفه (عاصم به روایت شعبه، حمزه، کسانی)	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۲۰	شعراء: ۱۹۳	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْآمِينُ	و قرأ ذلك عامة قراء أهل الكوفة «نَزَلَ» مشددة الزاى «الرُّوحُ الْأَمِينُ» نصبا.	۶۸/۱۹
۲۱	قصص: ۳۲	الرَّهْبِ	الرَّهْبِ	و قرأته عامة قراء الكوفة «من الرَّهْبِ» بضم الراء و تسكين الهاء.	۴۷/۲۰
۲۲	لقمان: ۲۰	نِعْمَةً	نِعْمَةً	فقرأه بعض المكيين و عامة الكوفيين «و أسبغ عليكم نِعْمَةً» على الواحدة.	۴۹/۲۱
۲۳	زمر: ۶۱	مَفَازَتِهِمْ	مَفَازَاتِهِمْ	و قرأته عامة قراء الكوفة «بمفازاتهم» على الجماع.	۱۵/۲۴
۲۴	فصلت: ۴۷	ثَمَرَاتٍ	ثَمَرَاتٍ	و قرأته قراء الكوفة «من ثَمَرَةٍ» على لفظ الواحدة.	۲/۲۵
۲۵	زخرف: ۵۳	أَسْوَرَةٍ	أَسَاوِرَةٍ	فقرأته عامة قراء المدينة و البصرة و الكوفة «فلو لا أُلْقِيَ عليه أساوره من ذهب».	۴۹/۲۵
۲۶	مجادله: ۱۱	فَانشُرُوا	فَانْشُرُوا	فقرأته عامة قراء المدينة «فَانْشُرُوا» بضم الشين و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة و البصرة بكسرها.	۱۴/۲۸
۲۷	مزمّل: ۹	رَبِّ الْمَشْرِقِ	رَبِّ الْمَشْرِقِ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة بالخفض على وجه النعت.	۸۴/۲۹
۲۸	مدثر: ۵	الرَّجْزِ	الرَّجْزِ	و عامة قراء الكوفة «و الرَّجْزِ» بكسر الراء.	۹۲/۲۹
۲۹	قيامت: ۳۷	يُمْنِي	تُمْنِي	فقرأه عامة قراء المدينة و الكوفة «تُمْنِي» بالتاء.	۱۲۵/۲۹
۳۰	انسان: ۴	سلاسل- قوارير- قوارير	سلاسل- قواريراً قواريراً (به جز حمزه)	فقرأ ذلك عامة قراء المدينة و الكوفة غير حمزة «سلاسل» و «قواريراً قواريراً» بإثبات الألف و التنوين و كذلك هي في مصاحفهم؛ و كان حمزة يسقط الألفات من ذلك كله و لا يجرى شيئاً منه.	۱۳۳/۲۹
۳۱	نازعات: ۱۱	نَحْرَةٍ	ناخِرَةٍ	و قرأ ذلك عامة قراء الكوفة «ناخِرَةٍ» بألف.	۲۳/۳۰

۱. البته در این آیه طریق های روایت شعبه اختلاف دارند؛ برخی به کسر شین و برخی به ضم شین نقل کرده اند (نک: ابن معاهد، ۱۴۰۰، ۶۲۹).



ردیف	آیه	روایت حفص از عاصم	قرائت اهل کوفه (عاصم به روایت شعبه، حمزه، کسائی)	عبارت طبری	طبری، ۱۴۱۲
۳۲	تکویر: ۱۲	سُعْرَت	سُعْرَت ^۱	و قرأته عامة قراءة الكوفة بالتخفيف.	۴۷/۳۰
۳۳	همزه: ۹	فی عَمَدٍ	فی عُمَدٍ	و قرأ ذلك عامة قراءة الكوفة «فی عُمَدٍ» بضم العين و المیم.	۱۹۰/۳۰

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که طبری در اخذ و نقل قرائت عاصم به عنوان یکی از قاریان کوفه، تنها به روایت شعبه اعتماد داشت و هیچ‌گاه روایت حفص را حتی به عنوان یک روایت احتمالی از قرائت عاصم مطرح نمی‌کرد؛ گویا اساساً اختلافی در نقل قرائت عاصم وجود نداشت و قرائت عاصم، همان قرائتی بود که شعبه روایت می‌کرد.

۴. نادیده گرفتن قرائت‌های منفرد حفص

بررسی قرائت‌هایی که روایت حفص با قرائت اکثر قاریان مخالفت دارد و در برخی از آنها روایت حفص در میان قاریان هفت‌گانه، ده‌گانه یا چهارده‌گانه منفرد محسوب می‌شود، شاهد دیگری بر همان رویکرد بی‌اعتنایی طبری به روایت حفص است.

ملاحظه عملکرد طبری در مواجهه با این دست از قرائت‌های حفص نشان می‌دهد در مواردی که در کنار قرائت حفص، قاری دیگری، اعم از قاریان غیر مشهور یا نقل‌های غیر مشهور از صحابه و تابعان، وجود داشته باشد، طبری آن قرائت را به همان قاری غیر مشهور نسبت می‌دهد، بدون اینکه نامی از حفص ببرد. برای نمونه طبری در آیه ۳۷ سوره غافر، قرائت «فَاطَّلَعَ» را که قرائت منفرد حفص در میان قاریان چهارده‌گانه است، به حمید اعرج نسبت داده است و نامی از حفص نبرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۳/۲۴). همچنین در آیه ۱۳ سوره احزاب نیز قرائت «لَا مُقَامَ» را که حفص در میان قاریان چهارده‌گانه منفرد به آن است، به عنوان نقلی از ابوعبدالرحمان سلمی ذکر کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۸۶/۲۱). حتی در آیه ۱۶ سوره معارج نیز که قرائت «نَزَاعَةً»، قرائت منفرد حفص در میان همه قاریان است، طبری آن را نیز به حفص نسبت نداده و گفته است که هیچ فردی از قاریان اینگونه قرائت نکرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۸/۲۹).

۱. البته در این آیه طریق‌های روایت شعبه اختلاف دارند؛ علیمی بدون تشدید و یحیی با تشدید نقل کرده‌اند (دمیاطی، ۱۴۲۲، ۵۷۳).



در برخی موارد دیگر نیز که قرائت حفص در میان قاریان هفت گانه منفرد است هرچند در بین قاریان چهارده گانه موافقانی دارد، رویکرد طبری نام نبردن از حفص است؛ چنانکه در آیه ۲۳ سورة یونس، قرائت «متاع» که در میان قاریان چهارده گانه، تنها قرائت حفص و حسن بصری است، طبری آن را تنها به عبدالله بن ابواسحاق نسبت داده و از حفص یاد نکرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۱/۱۱). طبری همچنین در آیه ۸۲ سورة قصص قرائت «لَخَسَفَ» را که در میان قاریان چهارده گانه، تنها قرائت حفص، یعقوب و حسن بصری است، از شیبة و حسن بصری نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۸/۲۰) و در آیه ۵۳ سورة زخرف نیز قرائت «اسورة» را که از میان قاریان چهارده گانه، قرائت حفص، یعقوب و حسن بصری است، تنها از حسن بصری نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۹/۲۵).

بنابراین طبری در نقل قرائت‌های «لامُقام»، «فاطع» و «نزاعة» که حفص در میان قاریان چهارده گانه، منفرد به آن است و همچنین نقل قرائت‌های «متاع»، «لَخَسَفَ» و «اسورة» که حفص در میان قاریان هفت گانه، منفرد به آن است، حفص را کاملاً نادیده گرفته است و ترجیح داده است این قرائت‌ها را از سایرین گزارش کند.

همچنین مشاهده می‌شود که طبری در برخی موارد با اینکه در مقام نقل قرائت‌های مختلف از یک آیه است، به کلی قرائت منفرد حفص را نادیده می‌گیرد و آن را نقل نمی‌کند. برای نمونه طبری در آیه ۵۹ سورة كهف، دو قرائت «لِمْهَلِكْهُمْ» و «لِمْهَلِكْهُمْ» را ذکر می‌کند، اما به قرائت حفص «لِمْهَلِكْهُمْ» اشاره‌ای نمی‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷۵/۱۵). همچنین طبری در آیه ۲۵ سورة مریم، چهار قرائت «تَسَاقُطُ»، «تَسَاقُطُ»، «یسَاقُطُ» و «تُسَقِطُ» را ذکر می‌کند، اما قرائت حفص «تُسَاقِطُ» را نقل نمی‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۵۵/۱۶). در آیه ۳۲ سورة قصص نیز دو قرائت «الرَّهْبَ» و «الرُّهْبَ» را ذکر کرده و قرائت حفص «الرَّهْبَ» را ذکر نکرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۶/۲۰-۴۷).

طبری همچنین در بسیاری از موارد از منفردات حفص، اساساً اشاره‌ای به قرائت وی نکرده و در تفسیر آیه نیز با بی‌اعتنایی به قرائت متفاوت وی، آیه را تنها طبق قرائت مشهور تفسیر کرده است، که این موارد در جدول ذیل ارائه می‌شود.

ردیف	آیه	قرائت حفص و مشهور	عبارت طبری	توضیح مستند	طبری، ۱۴۱۲
۱	اعراف: ۱۲۳	حفص: آمَنتم مشهور: أَمَنتم	يقول أصدَقتم بموسى وأقرَتم بنبوته؟	در تفسیر آیه، همزه استفهام (أ) انعکاس یافته است، که مطابق قرائت مشهور است.	۱۶/۹
۲	یونس: ۴۵	حفص: یَحشرهم مشهور: نَحشرهم	يقول تعالى ذكره: و يوم نحشر هؤلاء المشركين فنجمعهم في موقف الحساب	دو فعل «نحشر» و «فنجمعهم» در تفسیر آیه، به صیغه متکلم، با قرائت مشهور سازگارند.	۸۴/۱۱



ردیف	آیه	قرائت حفص و مشهور	عبارت طبری	توضیح مستند	طبری، ۱۴۱۲
۳	هود: ۴۰	حفص: کل زوجین مشهور: کل زوجین	فلما فار التور حمل نوح فی الفلک من امره الله و كانوا قليلا كما قال الله، و حمل فيها من <u>کل زوجین</u> اثنین.	طبری مضافاً الیه محذوفی برای «کل» در تقدیر نگرفته، بلکه همان «زوجین» را مضافاً الیه معرفی کرده است.	۲۳/۱۲
۴	یوسف: ۱۰۹	حفص: نُوحی مشهور: یُوحی	يقول تعالى ذكره: و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالا <u>یوحی</u> الیهم من أهل القرى.	فعل «یوحی» در تفسیر آیه، با قرائت مشهور تناسب دارد.	۵۳/۱۳
۵	طه: ۷۱	حفص: آمَنتم مشهور: أَمَنتم	يقول جل ثناءه: و قال فرعون للـسحرة: <u>أصدقتم</u> و أقررتم لموسى بما دعاكم إلیه...	در تفسیر آیه، همزة استفهام (أ) انعکاس یافته است، که مطابق قرائت مشهور است.	۱۴۱/۱۶
۶	انبیاء: ۱۱۲	حفص: قَالَ مشهور: قُل	يقول تعالى ذكره: <u>قل</u> یا محمد: یا رب افصل بینی و بین من کذبنی من مشرکی قومی.	دو فعل «قُل» و «افصل» به صیغه امر، با قرائت مشهور سازگاری دارند.	۸۴/۱۷
۷	مؤمنون: ۲۷	حفص: کل زوجین مشهور: کل زوجین	يقول لنوح: اجعل فی السفينة من <u>کل زوجین</u> اثنین.	طبری مضافاً الیه محذوفی برای «کل» در تقدیر نگرفته، بلکه همان «زوجین» را مضافاً الیه معرفی کرده است.	۱۴/۱۸
۸	نور: ۹	حفص: الخامسة مشهور: الخامسة	<u>رفع قوله</u> «و الخامسة» فی کلتا الآيتين بـ«أن» التي تليها.	طبری مرفوع بودن «الخامسة» را مسلم در نظر گرفته و فقط وجه آن را بیان کرده است.	۶۸/۱۸
۹	فرقان: ۱۹	حفص: تَسْتَطِيعُونَ مشهور: يَسْتَطِيعُونَ	يقول: فما يَسْتَطِيع هؤلاء الكفار صرف عذاب الله حين نزل بهم عن أنفسهم...	دو تعبیر با صیغه غائب «يَسْتَطِيعُونَ» و «بهم» با قرائت مشهور به صیغه غائب سازگار است.	۱۴۳/۱۸
۱۰	سبا: ۴۰	حفص: يَحْشَرُهُمْ يَقُول مشهور: نَحْشَرُهُمْ نَقُول	يقول تعالى ذكره: و يوم <u>نحشر</u> هؤلاء الكفار بالله جميعا، ثم <u>نقول</u> للملائكة...	دو فعل «نحشر» و «نقول» در تفسیر آیه، با صیغه متکلم در قرائت مشهور سازگار است.	۶۹/۲۲

۵. تحلیل عملکرد طبری نسبت به روایت حفص

ملاحظه عملکرد طبری در خصوص روایت حفص از قرائت عاصم بیانگر این حقیقت است که وی نه تنها روایت حفص را روایتی متواتر یا روایتی صحیح نمی‌داند، که حتی آن را در حد قرائت‌ها و نقل‌های شاذ و غیر مشهور نیز نپذیرفته بود و از توجه و نقل آن به کلی امتناع می‌ورزید.



عملکرد طبری بیانگر متروک بودن حفص در قرائت است، همانطور که در حدیث نیز متروک است و به اجماع عالمان رجالی ضعیف و متروک معرفی شده است. عموم عالمان حدیث و رجال به صراحت، حفص را ضعیف و متروک دانسته‌اند؛ از جمله یحیی بن معین (۲۳۳ق) (ابن معین، ۱۴۰۰: ۹۷)، احمد بن حنبل (۲۴۱ق) (احمد بن حنبل، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۲)، بخاری (۲۵۶ق) (بخاری، بی تا، ۳۶۳/۲؛ ۱۴۰۴، ۳۲: ۱۴۱۸: ۱۸۴/۲)، ابوزرعۀ رازی (۲۶۴ق) (ابوزرعۀ، ۱۴۰۲: ۵۰۱/۱-۵۰۲)، ابوحاتم رازی (۲۷۷ق) (نک: ابن ابی حاتم، ۱۳۷۳: ۱۷۳/۳، ۱۷۹-۱۸۰)، مسلم (۲۶۱ق) (مسلم، ۱۴۰۴، ۵۴۰/۱)، ترمذی (۲۷۹ق) (ترمذی، بی تا، ۱۷۱/۵)، نسائی (۳۰۳ق) (نسائی، ۱۳۹۶: ۳۱)، عقیلی (۳۲۲ق) (عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۷۰/۱)، ابن عدی (۳۵۶ق) (ابن عدی، ۱۴۰۵: ۳۸۲/۲، ۳۴۶/۶، ۱۲/۷)، ابن حبان (۳۵۴ق) (ابن حبان، ۱۴۰۳: ۱۹۵/۶)، دارقطنی (۳۸۵ق) (دارقطنی، ۱۳۸۶: ۲۶۳/۲)، ابن حزم اندلسی (۴۵۶ق) (ابن حزم، بی تا، ۳۷۲/۸، ۲۰۱/۹)، بیهقی (۴۵۸ق) (بیهقی، بی تا، ۲۴۳/۲، ۱۰۹/۵، ۲۴۶: ۱۴۱۰: ۳۲۹/۲، ۵۵۳، ۴۸۹/۳، ۱۴۱۲، السنن الصغیر، ۲۳۲/۱؛ ۱۴۱۲، معرفة السنن، ۵۰۵/۷).

برخی از عالمان رجال نیز تضعیفات شدیدتری فراتر از متروک بودن بر حفص وارد کرده‌اند؛ چنانکه عبدالرحمان بن مهدی (۱۹۸ق) سوگند یاد کرده که روایت کردن از او جایز نیست (نک: ابن جوزی، ۱۳۸۸: ۱۸۰/۳؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۲)، یحیی بن معین (۲۳۳ق) نیز او را کذاب معرفی کرده است (ابن معین، ۱۴۰۵: ۵۴/۱، ۱۱۳)، عبدالرحمان بن یوسف بن خراش (۲۸۳ق) نیز او را کذاب و جعل کننده حدیث دانسته است (خطیب بغدادی، بی تا، ۱۸۸/۸؛ ابن جوزی، ۱۳۸۸: ۲۲۱/۱) و ابن حبان درباره او گفته است: سندها را تغییر می‌داد و روایت‌های مرسل را به روایتی مرفوع (متصل) تبدیل می‌کرد (ابن حبان، بی تا، ۲۵۵/۱).

البته در سده‌های بعد و پس از پدید آمدن و رواج تدریجی نظریۀ تواتر قرائت‌های هفت‌گانه و ده‌گانه که روایت حفص از عاصم در ضمن آنها جای داشت، برخی از عالمان متأخر مانند ذهبی (۷۴۸ق) و سپس ابن حجر (۸۵۲ق) دیدگاه جدیدی در علم رجال تأسیس و ترویج کردند و با تفکیک وضعیت رجالی در حدیث و قرائت، ادعا کردند که حفص به رغم ضعیف و متروک بودنش در حدیث، در قرائت ثبت است! (ذهبی، ۱۴۱۰: ۲۶۰/۵؛ ۱۳۸۲، ۵۵۸/۱؛ ۱۳۸۷: ۹۴؛ ۱۴۱۳: ۳۴۱/۱؛ ابن حجر، ۱۴۰۶: ۱۷۲).

به هر حال عملکرد طبری در بی‌اعتنایی کامل به روایت حفص، بیانگر متروک بودن حفص در قرائت همانند متروک بودنش در حدیث است. جالب است که پیش از طبری، فراء (۲۰۷ق) نیز عملکردی مشابه با عملکرد طبری داشت و او نیز در نقل قرائت عاصم، تنها به شعبه اعتماد داشت و روایت حفص را به کلی نادیده می‌گرفت (نک: شریفی نسب و بابایی، ۱۳۹۷: ۴۱، ۴۷-۵۳).



عملکرد مفسران متقدم مانند فراء (۲۰۷ق) و طبری (۳۱۰ق) بیانگر این حقیقت است که تا پیش از ابن مجاهد (۳۲۴ق) حفص نه تنها در حدیث، که در قرائت نیز کاملاً متروک بود؛ اما وقتی ابن مجاهد روایت او را نیز به عنوان یکی از چهارده روایت از هفت قاری در کتابش نقل کرد، به تدریج روایت حفص از انزوای مطلق خارج شد و به کتابهای قرائی و تفسیری راه پیدا کرد. با این حال، تا چند سده اخیر هیچگاه روایت حفص حتی در برهه زمانی محدود و حتی در یک شهر خاص نیز رواج نیافت، تا آنکه با حمایت امپراطوری عثمانی که با ابداع دستگاه چاپ و تکثیر بی سابقه قرآن به روایت حفص همزمان شد، این روایت به تدریج در شهرهای مختلف رواج یافت.

نتیجه گیری

۱. طبری به قرائت‌های مختلف، اعم از قرائت قاریان هفت‌گانه، ده‌گانه و چهارده‌گانه توجه داشت که این توجه طبری و ذکر قرائت هر یک از این قاریان با تصریح به نامشان، بیانگر این حقیقت است که آنان از نظر طبری دارای شأنیت اختیار قرائت و دارای تخصص در گزینش قرائت بودند؛ البته به استثنای یعقوب و خلف (از قاریان ده‌گانه) و یزیدی (از قاریان چهارده‌گانه) که طبری در تفسیرش، قرائتی را به آنان نسبت نداده است.

۲. طبری در موارد متعددی تلاوت برخی آیات را طبق برخی از قرائت‌ها جایز ندانسته است که سی و سه مورد از آنها، قرائت‌هایی است که برخی از قاریان ده‌گانه قرائت کرده‌اند. این عملکرد طبری اولاً نشان می‌دهد که قرائت‌های ده‌گانه نزد طبری متواتر نبوده‌اند و ثانیاً روایت حفص از قرائت عاصم نیز در عصر طبری دارای نقل متواتر و اجماع بین مسلمانان نبود؛ در غیر این صورت طبری جواز آن را نفی نمی‌کرد؛ به ویژه آنکه دلیل اصلی طبری در نفی جواز این قرائت‌ها، مخالفت با اجماع بوده است.

۳. طبری در نقل قرائت عاصم (بیست و یک نمونه) و نقل قرائت قاریان کوفه (چهل نمونه)، به کلی حفص را نادیده می‌گرفت. طبری که حتی قرائت‌های شاذ و غیر مشهور و نقل‌های ضعیف از صحابه و تابعان را گزارش می‌کرد، درباره منفردات حفص نیز رویکرد بی‌اعتنایی را درپیش گرفته و هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است (نوزده نمونه). این عملکرد طبری نشان می‌دهد که وی نه تنها روایت حفص را روایتی متواتر یا روایتی صحیح نمی‌دانست، که حتی آن را در حد قرائت‌ها و نقل‌های شاذ و غیر مشهور نیز نپذیرفته بود و از توجه و نقل آن به کلی امتناع می‌ورزید. عملکرد طبری بیانگر متروک بودن حفص در قرائت است، همانطور که در حدیث نیز متروک است و به اجماع عالمان رجالی ضعیف و متروک معرفی شده است.



۴. عملکرد مفسران متقدم بر ابن مجاهد (۳۲۴ق)، مانند فراء (۲۰۷ق) و طبری (۳۱۰ق) بیانگر این حقیقت است که تا پیش از ابن مجاهد، حفص نه تنها در حدیث، که در قرائت نیز کاملاً متروک بود؛ اما وقتی ابن مجاهد روایت او را نیز به عنوان یکی از چهارده روایت از هفت قاری در کتابش نقل کرد، به تدریج روایت حفص به کتابهای قرائی و تفسیری راه پیدا کرد؛ هرچند تا چند سده اخیر، هیچ‌گاه روایت حفص رواج نیافت تا آنکه با حمایت امپراطوری عثمانی که با ابداع دستگاه چاپ و تکثیر بی‌سابقه قرآن به روایت حفص همزمان شد، این روایت به تدریج در شهرهای مختلف رواج یافت.



فهرست منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن ابوحاتم محمد بن ادريس رازی، الجرح و التعديل، حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۳ق.
۲. ابن جزري، محمد بن محمد، النشر في القراءات العشر، بيروت: الكتب العلمية، بی تا.
۳. ابن جزري، محمد بن محمد، غاية النهاية في طبقات القراء، قاهره: مكتبة ابن تيمية، ۱۳۵۱ق.
۴. ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمان بن علي، الموضوعات، مدينه: المكتبة السلفية، ۱۳۸۸ق.
۵. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان، الثقات، حيدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ۱۴۰۳ق.
۶. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان، المجروحين، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
۷. ابن حجر، احمد بن علي عسقلاني، تقييد التهذيب، سوريه: دارالرشيد، ۱۴۰۶ق.
۸. ابن حجر، احمد بن علي عسقلاني، تهذيب التهذيب، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن حزم، ابومحمد علي بن احمد، المحلى بالآثار، بيروت: دارالآفاق الجديدة، بی تا.
۱۰. ابن عدی، ابواحمد عبدالله جرجاني، الكامل في معرفة ضعفاء المحدثين، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۵ق.
۱۱. ابن قباقي، محمد بن خليل، إيضاح الرموز و مفتاح الكنوز في القراءات الأربع عشرة، عمان، دار عمار، ۱۴۲۴ق.
۱۲. ابن مجاهد، احمد بن موسى، السبعة في القراءات، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۱۳. ابن معين، ابوزكريا يحيى بن معين، تاريخ ابن معين برواية ابن محرز (معرفة الرجال)، دمشق: مجمع اللغة العربية، ۱۴۰۵ق.
۱۴. ابن معين، ابوزكريا يحيى بن معين، تاريخ ابن معين برواية الدارمي، دمشق: دارالمأمون للتراث، ۱۴۰۰ق.
۱۵. ابن مهران، احمد بن حسين بن مهران، الغاية في القراءات العشر، عربستان، دارالشواف، ۱۴۰۵ق.
۱۶. ابوزرع، عبيدالله بن عبدالكريم، سؤالات البرذعي (اجوبة أبي زرعة الرازي عن أسئلة البرذعي)، مدينه: الجامعة الإسلامية، ۱۴۰۲ق.
۱۷. احمد بن حنبل، العلل و معرفة الرجال برواية عبدالله، بيروت: المكتب الإسلامي، رياض: دارالخاني، ۱۴۰۸ق.
۱۸. بخاري، محمد بن اسماعيل، التاريخ الأوسط، رياض: دارالصميعي، ۱۴۱۸ق.



١٩. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، بيروت: دارالفكر، بی.تا.
٢٠. بخاری، محمد بن اسماعیل، الضعفاء (الضعفاء الصغیر)، حلب: دارالوعی، ١٤٠٤ق.
٢١. بکری، یحیی بن عبدالله شهري، حفص بن سليمان اسدي راوی قراءه عاصم بين الجرح و التعديل، عربستان: المكتبة البكرية، ١٤٤٢ق.
٢٢. بلاغي، محمد جواد، آلاء الرحمن، قم: بنياد بعثت، ١٤٢٠ق.
٢٣. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين، السنن الصغیر، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٢٤. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين، السنن الكبرى (السنن الكبير)، حيدرآباد (هند): دائرة المعارف العثمانية، بيروت: دارالمعرفة، بی.تا.
٢٥. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين، شعب الإيمان، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٠ق.
٢٦. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين، معرفة السنن والآثار، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٢ق.
٢٧. ترمذی، ابو عيسى محمد بن عيسى، سنن الترمذی، مكة: مكتبة التجارية، بی.تا.
٢٨. حموی، یاقوت، معجم الادباء، بيروت: دارالغرب الاسلامی، ١٤١٤ق.
٢٩. خطیب بغدادی، ابوبكر احمد بن علی، تاريخ بغداد، بيروت: دارالكتاب العربي، بی.تا.
٣٠. خطیب بغدادی، ابوبكر احمد بن علی، موضح أوهام الجمع و التفريق، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٧ق.
٣١. دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر، سنن الدارقطنی، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٨٦ق.
٣٢. دمیاطی، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
٣٣. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، الكاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة، جدة: دارالقبلة، ١٤١٣ق.
٣٤. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، دیوان الضعفاء و المتروکین، مكة: النهضة الحديثة، ١٣٨٧ق.
٣٥. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٠ق.
٣٦. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، میزان الإعتدال، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٨٢ق.
٣٧. ذهبی، محمد حسين، التفسير والمفسرون، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی.تا.
٣٨. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، بيروت: احیاء التراث العربی، بی.تا.
٣٩. زركشي، محمد بن عبدالله، البرهان، بيروت: المعرفة، ١٤١٠ق.



۴۰. ستوده نیا، محمدرضا و قاسم نژاد، زهرا، تاثیر سياق در ترجیح قرائات در تفسیر طبری، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۶، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۴۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۲. سیوطی، جلال الدین، طبقات المفسرین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۳. شریفی نسب، حامد و بابایی، علی اکبر، بررسی و تحلیل تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در تفسیر فراء، مطالعات قرائت قرآن، سال ۶، ش ۱۰، ۱۳۹۷ ش.
۴۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۶. عقیلی، ابوجعفر محمد بن عمرو، الضعفاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۴۷. فخر رازی، فخر الدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.
۴۸. فراء، ابوزکریاء یحیی بن زید، معانی القرآن، چاپ دوم، مصر: الهیئة المصریة، ۱۹۸۰م.
۴۹. مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج، الکنی و الأسماء، مدینه: الجامعة الإسلامية بالمدينة، ۱۴۰۴ق.
۵۰. محمدی، محمدحسین، اخلاقی، محمد یحیی، امینی تهرانی، محمد. قرائات و حجیت آن از منظر ابوجعفر طبری و امین الاسلام طبرسی. مطالعات قرائت قرآن، ۱۴۰۱؛ ۱۰ (۱۹): ۲۸۹-۳۱۱. doi: ۲۲۰۳۴/۱۰/۷۵۹۸/ger. ۲۰۲۳
۵۱. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱ ش، چاپ چهارم.
۵۲. نسائی، احمد بن شعیب، الضعفاء و المتروکون، حلب: دارالوعی، ۱۳۹۶ق.



References

١. 'Aqīlī, Abū Ja'far Mohammad bin 'Amr, *Al-Du'afā' (The Weak)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, ١٤٠٤ AH (١٩٨٤ CE).
٢. Abū Zar'ah, 'Ubaid Allāh bin 'Abd al-Karīm, *Su'ālāt al-Baradh'ī (Ajwibat Abī Zar'ah al-Rāzī 'an As'ilat al-Baradh'ī) (Questions of al-Baradh'ī (Answers of Abū Zar'ah al-Rāzī to the Questions of al-Baradh'ī))*, Madinah: al-Jāmi'ah al-Islāmiyyah, ١٤٠٢ AH (١٩٨٢ CE).
٣. Aḥmad bin Ḥanbal, *Al-'Illal wa Ma'rifat al-Rijāl bi Riwayat 'Abd Allāh (The Defects and Knowledge of the Men According to the Narration of 'Abd Allāh)*, Beirut: al-Maktab al-Islāmī, Riyadh: Dār al-Khānī, ١٤٠٨ AH (١٩٨٨ CE).
٤. Bakrī, Yaḥyā bin 'Abd Allāh Shahrī, *Ḥaḥḥ bin Sulaymān Asadī Rāwī Qirā'at 'Āṣim Bayn al-Jarḥ wa al-Ta'dīl (Ḥaḥḥ bin Sulaymān Asadī, Narrator of 'Āṣim's Reading, Between Criticism and Praise)*, Arabistan: al-Maktabah al-Bakrīyah, ١٤٤٢ AH (٢٠٢١ CE).
٥. Balāghī, Mohammad Jawād, *Ālā' al-Raḥmān (The Blessings of the Merciful)*, Qom: Bunyād-i Ba'that, ١٤٢٠ AH (١٩٩٩ CE).
٦. Bīhaqī, Abū Bakr Aḥmad bin Hossein, *Al-Sunan al-Kubrā (Al-Sunan al-Kabīr) (The Major Sunan)*, Hyderabad (India): Dār al-Ma'ārif al-'Uthmāniyyah, Beirut: Dār al-Ma'ārifah, n.d.
٧. Bīhaqī, Abū Bakr Aḥmad bin Hossein, *Al-Sunan al-Ṣaghīr (The Minor Sunan)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, ١٤١٢ AH (١٩٩١ CE).
٨. Bīhaqī, Abū Bakr Aḥmad bin Hossein, *Ma'rifat al-Sunan wa al-Āthār (Knowledge of the Sunan and Traditions)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, ١٤١٢ AH (١٩٩١ CE).
٩. Bīhaqī, Abū Bakr Aḥmad bin Hossein, *Sha'b al-Īmān (The Branches of Faith)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, ١٤١٠ AH (١٩٨٩ CE).
١٠. Bukhārī, Mohammad bin Ismā'īl, *Al-Du'afā' (Al-Du'afā' al-Ṣaghīr) (The Weak Narrators (The Minor Weak Narrators))*, Aleppo: Dār al-Wa'ī, ١٤٠٤ AH (١٩٨٤ CE).
١١. Bukhārī, Mohammad bin Ismā'īl, *Al-Tārīkh al-Awsat (The Middle History)*, Riyadh: Dār al-Ṣumay'ī, ١٤١٨ AH (١٩٩٧ CE).
١٢. Bukhārī, Mohammad bin Ismā'īl, *Al-Tārīkh al-Kabīr (The Great History)*, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.
١٣. Damīātī, Aḥmad bin Mohammad, *Iḥṭāf Fuḍalā' al-Bashar fī al-Qirā'āt al-Arba'ah 'Ashar (The Enrichment of the Best of Humanity in the Fourteen Recitations)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, ١٤٢٢ AH (٢٠٠١ CE).
١٤. Darqutnī, Abū al-Ḥasan 'Alī bin 'Umar, *Sunan al-Dārquṭnī (The Sunan of al-Dārquṭnī)*, Beirut: Dār al-Ma'ārifah, ١٣٨٦ AH (١٩٦٦ CE).



۱۵. Dhahabī, Mohammad Hossein, *Al-Tafsīr wa al-Mufasssīrūn (The Exegesis and the Exegetes)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, n.d.
۱۶. Dhahabī, Shams al-Dīn Mohammad bin Aḥmad, *Al-Kāshif fī Ma'rifat Man Laḥu Riwayah fī al-Kutub al-Sitta (The Revealer of the Knowledge of Those with Narrations in the Six Books)*, Jeddah: Dār al-Qiblah, ۱۴۱۳ AH (۱۹۹۳ CE).
۱۷. Dhahabī, Shams al-Dīn Mohammad bin Aḥmad, *Diwān al-Ḍu'afā' wa al-Matrūkīn (The Collection of the Weak and Abandoned)*, Mecca: al-Nahḍah al-Ḥadīthah, ۱۳۸۷ AH (۱۹۶۷ CE).
۱۸. Dhahabī, Shams al-Dīn Mohammad bin Aḥmad, *Mīzān al-I'tidāl (The Balance of Moderation)*, Beirut: Dār al-Ma'ārifah, ۱۳۸۲ AH (۱۹۶۲ CE).
۱۹. Dhahabī, Shams al-Dīn Mohammad bin Aḥmad, *Siyar A'lām al-Nubalā' (The Lives of the Noble Figures)*, Beirut: Maktabat al-Risālah, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۲۰. Fakhr al-Rāzī, Fakhr al-Dīn Mohammad bin 'Umar, *Maḥāṭib al-Ghayb (The Keys to the Unseen)*, Beirut: Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE), ۳rd Edition.
۲۱. Farrā', Abū Zakariyyā Yaḥyā bin Ziyād, *Ma'ānī al-Quran (The Meanings of the Quran)*, ۲nd Edition, Egypt: al-Hay'ah al-Miṣriyyah, ۱۹۸۰ CE.
۲۲. Ḥamawī, Yāqūt, *Mu'jam al-Adabā' (The Dictionary of Literary Figures)*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE).
۲۳. Ibn 'Adī, Abū Aḥmad 'Abd Allāh Jurgānī, *Al-Kāmil fī Ma'rifat Ḍu'afā' al-Muhaddithīn (The Complete Book on the Knowledge of the Weak Hadith Narrators)*, Beirut: Dār al-Fikr, ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۵ CE).
۲۴. Ibn Abī Ḥātim, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Ḥātim Mohammad bin Idrīs Rāzī, *Al-Jarḥ wa al-Ta'dīl (The Criticism and Praise)*, Hyderabad: Dār al-Ma'ārif al-'Uthmāniyyah, ۱۳۷۳ AH (۱۹۵۴ CE).
۲۵. Ibn Ḥajar, Aḥmad bin 'Alī 'Asqalānī, *Tahdhīb al-Tahdhīb (The Refinement of the Refinement)*, Beirut: Dār al-Fikr, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۲۶. Ibn Ḥajar, Aḥmad bin 'Alī 'Asqalānī, *Taqrīb al-Tahdhīb (The Concise Edition of the Tahdhīb)*, Syria: Dār al-Rashīd, ۱۴۰۶ AH (۱۹۸۶ CE).
۲۷. Ibn Ḥazm, Abū Mohammad 'Alī bin Aḥmad, *Al-Muḥallā bi al-'Āthār (The Decorated with Traditions)*, Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah, n.d.
۲۸. Ibn Ḥibbān, Abū Ḥātim Mohammad bin Ḥibbān, *Al-Majrūḥīn (The Impaired)*, Beirut: Dar al-Ma'ārifah, n.d.
۲۹. Ibn Ḥibbān, Abū Ḥātim Mohammad bin Ḥibbān, *Al-Thuqāt (The Trustworthy)*, Hyderabad: Dār al-Ma'ārif al-'Uthmāniyyah, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۳۰. Ibn Jazari, Mohammad bin Mohammad, *Al-Nashr fī al-Qirā'āt al-'Ashr (The Dissemination of the Ten Recitations)*, Beirut: al-Kutub al-'Ilmiyyah, n.d.



٣١. Ibn Jazari, Mohammad bin Mohammad, *Ghayat al-Nihāyah fī Ṭabaqāt al-Qurrā'* (*The Ultimate End in the Classes of Reciters*), Cairo: Maktabat Ibn Taymiyyah, ١٣٥١ AH (١٩٣٢ CE).
٣٢. Ibn Jūzī, Abū al-Faraj 'Abd al-Raḥmān bin 'Alī, *Al-Mawḍū'āt* (*The Fabrications*), Madinah: al-Maktabah al-Salafiyyah, ١٣٨٨ AH (١٩٦٨ CE).
٣٣. Ibn Ma'in, Abū Zakariyyā Yaḥyā bin Ma'in, *Tārīkh Ibn Ma'in bi Riwayat Ibn Miḥriz* (*Ma'rifat al-Rijāl*) (*The History of Ibn Ma'in According to the Narration of Ibn Miḥriz (Knowledge of the Men)*), Damascus: Majma' al-Lughah al-'Arabiyyah, ١٤٠٥ AH (١٩٨٥ CE).
٣٤. Ibn Ma'in, Abū Zakariyyā Yaḥyā bin Ma'in, *Tārīkh Ibn Ma'in bi Riwayat al-Dārimī* (*The History of Ibn Ma'in According to the Narration of al-Dārimī*), Damascus: Dār al-Ma'mūn li al-Turāth, ١٤٠٠ AH (١٩٨٠ CE).
٣٥. Ibn Mājah, Aḥmad bin Mūsā, *Al-Sab'ah fī al-Qirā'āt* (*The Seven Recitations*), Egypt: Dār al-Ma'ārif, ١٤٠٠ AH (١٩٨٠ CE).
٣٦. Ibn Mihrān, Aḥmad bin Hossein bin Mihrān, *Al-Ghayah fī al-Qirā'āt al-'Ashr* (*The Ultimate Goal in the Ten Recitations*), Arabistan: Dār al-Shawāf, ١٤٠٥ AH (١٩٨٥ CE).
٣٧. Ibn Qāqābī, Mohammad bin Khalīl, *Idāḥ al-Rumuz wa Miftāḥ al-Kunūz fī al-Qirā'āt al-Arba'ah 'Ashar* (*Clarification of Symbols and the Key to the Treasures in the Fourteen Recitations*), Amman: Dār 'Amr, ١٤٢٤ AH (٢٠٠٣ CE).
٣٨. Khaṭīb Baghdādī, Abū Bakr Aḥmad bin 'Alī, *Muwāḍiḥ Awhām al-Jam' wa al-Tafrīq* (*Clarifications of the Mistakes of Collection and Division*), Beirut: Dār al-Ma'ārifah, ١٤٠٧ AH (١٩٨٧ CE).
٣٩. Khaṭīb Baghdādī, Abū Bakr Aḥmad bin 'Alī, *Tārīkh Baghdād* (*The History of Baghdad*), Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, n.d.
٤٠. Ma'arifāt, Moḥammad Hādī, *'Ulūm Qurāniyyah* (*Quranic Sciences*), Qom: Mū'assasah-yi Farhangī al-Tamīd, ١٣٨١ AH (٢٠٠٢ CE), ٤th Edition.
٤١. Moḥammadi, Moḥammad Hossein, Akhlāqī, Moḥammad Yaḥyā, Amīnī Tehrānī, Moḥammad, "Recitations and Their Authority from the Perspective of Abū Ja'far al-Ṭabarī and Amīn al-Islām al-Ṭabarī," *Studies in Quranic Recitations*, ١٤٠١ AH (٢٠٢٢ CE), ١٠(١٩): ٢٨٩-٣١١. doi: ١٠.٢٢٠٣٤/qr.٢٠٢٣.٧٥٩٨.
٤٢. Muslim, Abū al-Hossein Muslim bin Ḥajjāj, *Al-Kunā wa al-Asmā'* (*The Names and Nicknames*), Madinah: al-Jāmi'ah al-Islāmiyyah, ١٤٠٤ AH (١٩٨٤ CE).
٤٣. Nasā'ī, Aḥmad bin Shu'ayb, Al-Ḍu'afā' wa al-Matrūkūn (*The Weak and Abandoned*), Aleppo: Dār al-Wa'ī, ١٣٩٦ AH (١٩٧٦ CE).
٤٤. Sharīfī-Nasab, Ḥāmid and Bābā'ī, 'Alī Akbar, "A Study and Analysis of the Term 'Qirā'ah al-'Ammāh' and Similar Terms in al-Farrā's Exegesis," *Studies in Quranic Recitations*, Year ٦, Issue ١٠, ١٣٩٧ AH (٢٠١٨ CE).



۴۵. Sutoodeh-Niya, Mohammad Rezā and Qāsim-Nazād, Zahra, “*Ta’thir Siyaq dar Tarjih Qia’at Dat Tafsir Tabari (The Effect of Context in Preferring Recitations in al-Ṭabarī’s Exegesis)*,” Studies in Quran and Hadith, Year ۶, Issue ۱۲, Spring and Summer ۱۳۹۲ AH (۲۰۱۳ CE).
۴۶. Suyūṭī, Jalāl al-Dīn, *Al-Itqān (The Perfect Guide to the Sciences of the Qurn)*, Beirut: Dār al-Kitāb al-’Arabī, ۱۴۲۱ AH (۲۰۰۰ CE).
۴۷. Suyūṭī, Jalāl al-Dīn, *Ṭabaqāt al-Mufasssirīn (The Classes of the Exegetes)*, Beirut: Dār al-Kutub al-’Ilmiyyah, n.d.
۴۸. Ṭabarī, Mohammad bin Jarīr, *Jāmi’ al-Bayān (The Comprehensive Explanation)*, Beirut: Dār al-Ma’ārifah, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۲ CE).
۴۹. Ṭabarī, Mohammad bin Jarīr, *Tārīkh al-Ṭabarī (The History of al-Ṭabarī)*, Beirut: Dār al-Turāth, ۱۳۸۷ AH (۱۹۶۷ CE).
۵۰. Tirmidhī, Abū ‘Īsā Mohammad bin ‘Īsā, *Sunan al-Tirmidhī (The Sunan of Tirmidhī)*, Mecca: Maktabat al-Tijārīyah, n.d.
۵۱. Zarkashī, Mohammad bin ‘Abd Allāh, *Al-Burhān (The Proof)*, Beirut: al-Ma’rifah, ۱۴۱۰ AH (۱۹۸۹ CE).
۵۲. Zarqānī, Mohammad ‘Abd al-’Azīm, *Manāhil al-’Irfān (The Springs of Knowledge)*, Beirut: Ihya’ al-Turāth al-’Arabī, n.d.